ایران پاد

ارگان سازمان فرهنگی سیاسی ایران پاد

«ماهنامه ایران پاد» شمارهٔ 12 ،آذر و دی ماه 2571 ایرانی ، January 2013

Email: Iranpad@yahoo.com
www.Iran-pad.com
Tel:713-622-1967
Follow us on Facebook at Iranpad

چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

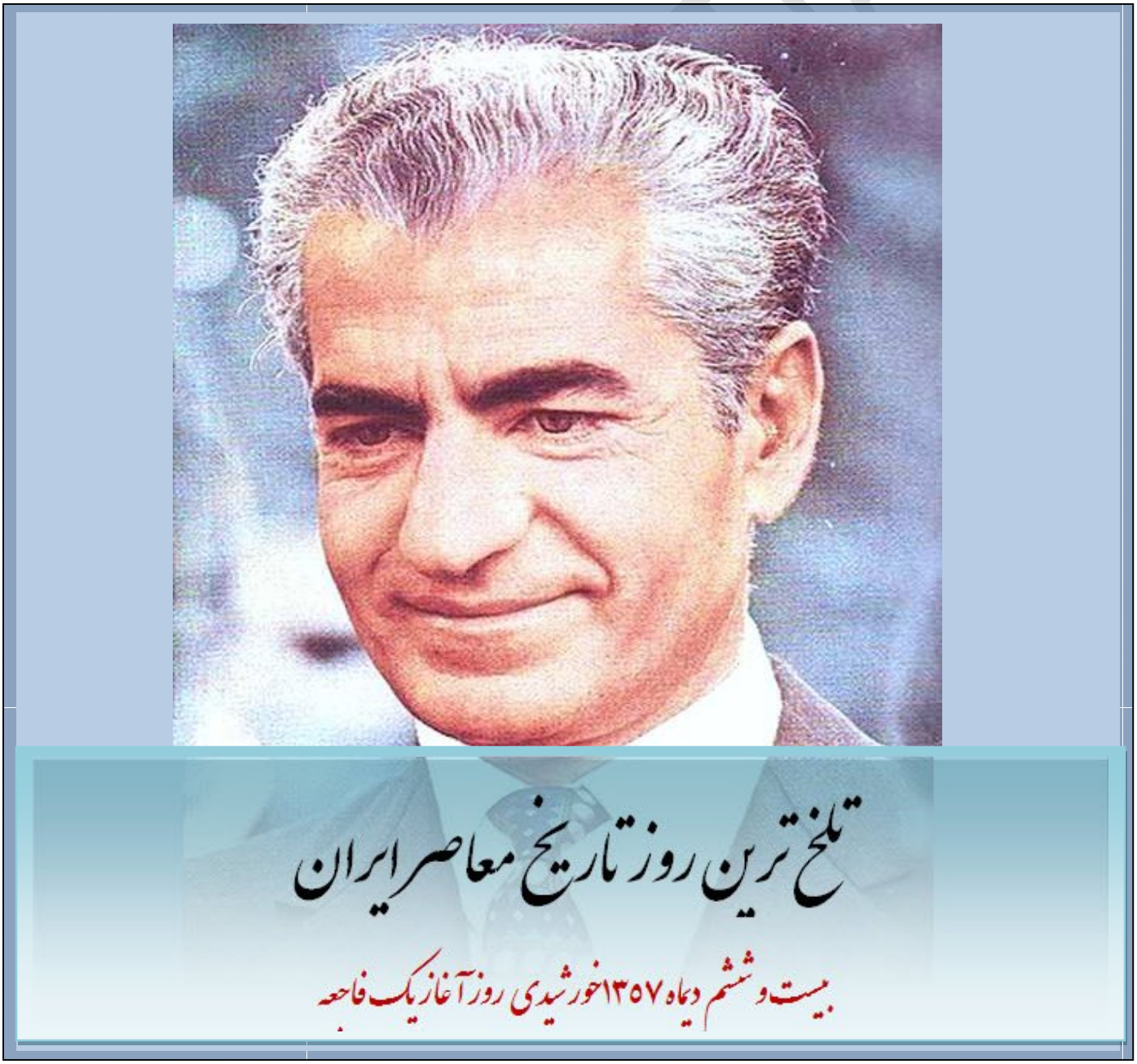

هموطن فردا خیلی دیر است مردم ایران نیازمند یاری شماهستند

جهت عضویت در سازمان ایران پاد شاخه هیوستون با ما تماس حاصل فرمائید.

Tel:713-622-1967

A Persian Monthly Review of Political & Cultural affairs published

by IRANPAD Organization based in Houston Texas.

Publisher: IRANPAD Organization

Tel:713-622-1967

ماهنامه ایران پاد ارگان سازمان سیاسی فرهنگی ایران پاد است.

سازمان ایران پاد یکی از اعضای جبههٔ هماهنگ مبارزان ایران میباشد.

جبهه هماهنگ مبارزان ایران در راستای اتحاد هرچه بیشترنیروهای مبارز از گروههای و احزاب زیر تشکیل شده است که دارای باورهای مشترک زیر هستند:

باورهای مشترک:

(1)- اعتقاد به اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی و برکناری حکومت جمهوری اسلامی بعنوان یگانه راه نجات ایران.

(2)- اعتقاد به استقلال و یکپارچگی و تمامیّت ارضی کشور.

(3)- اعتقاد به جدائی دین از حکومت(سکولاریسم).

(4)-اعتقاد به اینکه محتوای حکومت آینده باید بر پایهٔ آزادی و دموکراسی بوده و شکل نظام را مردم پس از براندازی در یک انتخابات آزاد تعیین خواهند کرد.

(5)- اعتقاد به منشور جهانی حقوق بشر و میثاقهای پیوست آن.

(شامل سازمانهای زیر به ترتیب الفبا:)

اتحاد عشایر ایران، انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی، انجمن زنان پارسی، انجمن فرهنگ ایرانزمین، پشتیبانان جنبش دموکراسی در ایران، پیمان برای دمکراسی، رادیو آزادگان-سوئد، جبههٔ ملی ایران خارج از کشور، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت حمایت از مبارزات مردم ایران، جمعیت خرد پیشگان ریشه ای، حزب دموکرات ایران، سازمان ایران پاد (هوستن)، سازمان ایران پاد (لس آنجلس)، سازمان پیام، سازمان جوانان هوادار مشروطهٔ پادشاهی، سازمان سرباز، سازمان همبستگی ایرانیان، سازمان همبستگی زنان ایران، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت، کانون خرد، کنگرهٔ همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران

CONFIDENTIAL

فهرست مطالب:

- تلخ ترین روز تاریخ معاصر ایران بیست و ششم دیماه سال 1357 خورشیدی روز آغاز یک پایان.
- به مناسبت۱۷ دیماه بمناسبت روز رخت بر بستن حجاب تحمیلی زنان ایران در عصر پهلوی یکم و دوم.
- بیانیه نیروهای پادشاهی بمناسبت مراسم بزرگداشت شاهزاده علیرضا پهلوی و والا گهر شهریار شفیق .
- بیانیه گرامیداشت سالگرد 21 آذر.
- آگاهینامه جبهه همآهنگ مبارزان ایران بمناسبت شست و چهارمین سالگرد بیانیه حقوق بشر.
-ارائه اولین شکایتنامه علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی به اتهام جنایت علیه بشریت به شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط شاهزاده رضا پهلوی .
- مروری اجمالی به کتاب دکتر محمد مصدق؛ آسیب‌شناسی یک شکست.
- تازه ترین2012 /10/12 گزارش احمد شهید، مخبر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران.
- تصویب پنجاه و نهمین قطعنامه محکومیت رژیم جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد .
- لوموند : ستار بهشتی ، وبلاگ نویس جان باخته ایرانی را با عنوان "تراژدی ایران ادامه دارد.
- دیده بان حقوق بشر: عرصه جامعه مدنی در ایران تنگ‌تر شده است .
- خرافه پرستی و نقش آن در بقای حکومت جمهوری اسلامی .
- برگذاری مراسم بزرگداشت زندانیان سیاسی در هیوستون.
- شعری از شاعرآزادیخواه دربند مصطفی بادکوبه ای.
- 21 آذر1325 روز نجات آذربایجان ونقشه استالین برای الحاق آذربایجان به شوروی براساس اسناد تاریخی بدست آمده آن دوران.
- نقدی بر فیلم آرگو , فرافکنی واقعیتها.
- تخریب آثار تاریخی ومیراث فرهنگی ایرانیان .تکرار تخریب پاسارگاد این بار با طاق بستان.
- خبرها
- آگاهینامه جبهه همآهنگ مبارزان ایران درمورد پشتیبانی برخی از سیاستمدران سابق از مجاهدین خلق.

CONFIDENTIAL

تلخ ترین روز تاریخ معاصر ایران

بیست و ششم دیماه سال 1357 خورشیدی روز آغاز یک پایان

کشوری که میرفت یکبار برای همیشه ،از جرگه کشورهای عقب مانده خارج شده ودر زمره کشورهای مترقی جهان قرار گیرد ،ملتی که میرفت پس از سالیان دراز،طعم واقعی غرور ملی وسرافرازی کهن رابار دیگر بچشد و تعیین سرنوشتش را بدست خویش بگیرد.ناگهان گرفتار آن چنان بحرانی میشود که نتیجه اش سقوطی مرگبار و مخربی است که نه تنها مسیر پیشرفت و تکامل کشورو مردم را مسدود نمودبلکه ایران را در مردابی سهمگین فرو برد.

کشوری که در آغازین روزهای قرن بیستم بعلت داشتن حکومتی نالایق و فاسد دست آوردها و ثروت های طبیعی و حتی غرور ملی خویش راتدریجا" به بیگانگان واگذار نموده بود ، کشوری که از کاروان تجدد و پیشرفت علمی و صنعتی جهان بشدت عقب مانده بود و مردمی که آموخته بودند سرنوشت آنان را بیگانگان تعیین می کنند و چاره ای جز اطاعت از بیگانه ندارند و سلطان قدر قدرتی که جز عیاشی وخوشگذرانی و خرافه پرستی و بیگانه پروری هنر دیگری نداشت و بی اعتنا به مردم درمانده، با گرو گذاشتن درآمد گمرکات کشوردر فرنگ به خوش گذرانی می پرداخت ، داستان غم انگیزی بود که ملتی کهنسال با آن پیشینه غرورآفرین ملیّ و پرچمداری تمدّن جهانی ، بعنوان یک واقعیت تلخ پذیرفته بود .

در اوج آن روزهای سیاه ستاره ای درخشیدن می گیرد و مردی ازتبار مردان بزرگ ، با عشقی فراوان و همّتی والا ، برای نجات ایران و ایرانی کمر همّت می بندد و در مدت شانزده سال ، برروی ویرانه ای که تحویل گرفته، پایه های یک کشور مدرن و پیشرفته را بنا می کند. امّا جنگ واشغال ناجوانمردانه کشور، گویا برای ایران و مردمش ، سرنوشت دیگری را رقم زده است.

رضا شاه بزرگ خاک ایران را ترک می کند و فرزندش بر تخت می نشیند.کشور در اشغال بیگانه ، فقر فزاینده، خانهای سرسپرده و یاغی ، توده ای های میهن فروش ، آخوند های مرتجع و عقب مانده و خلاصه اوضاع در هم ریخته کشور، شاه جوان را مصمم تر می کند که کاری برای کشورش انجام دهد . او با خویش سوگند یاد می کند که کشور را از این ورطه هولناک رهائی بخشد.

او نیک می داند برای انجام اصلاحات ،کشور نیازمند توان مالی ومدیریت کارآمد و نیروی کار ماهر است، با کوشش زیاد به تشکیل اوپک همت می گذارد و با باز پس گرفتن حق مسلم ملت ایران اصلاحات اساسی را شروع می کند، ذوب آهن آرزوی دیرینه ایرانیان ساخته می شود و صنایع زیر بنائی پا می گیرند ، دانشگاهها گسترش می یابند و به تربیت مدیران متخصص می پردازند ، در سراسر جهان دانشگاههای بزرگ پذیرای دانشجویان ایرانی می شوند که عمدتا" با هزینه بنیاد

CONFIDENTIAL

پهلوی به تحصیل می پردازند ، آرتش بازسازی می شود و در سایه امنیت مّلی پیشرفت همه جانبه شتاب می گیرد و رفاه عمومی پدیدار می شود . زنان دارای حقوق مساوی با مردان ، کشاورزان صاحب زمین ، کارگران سهیم در سود کارخانه ومردم روستا ها به برکت وجود سپاه دانش و بهداشت از نور معرفت و لذت تندرستی برخوردار میشوند.

شاه که آوازه قدرت و شکوهش همه جا پیچیده ، رسما" به قدرتهای بزرگ و شرکت های نفتی و دشمنان ایران اعلان می کند که ایران دیگر آن کشور فقیر و تهی دستی که آلت دست بیگانه بود نیست ، امروز ما سرنوشت خودمان را خود تعیین میکنیم و میخواهیم به آنجا برسیم که جایگاه واقعی کشور و ملت ایران است .دشمنان ریز و درشت ایران که شاه را مانع اجرای مقاصد شوم خود می بینند ، یکپارچه و مصمّم به مقابله با او و اصلاحاتش می پردازند، در سراسر جهان کنفدراسیون دانشجوئی با کمک و رهبری سازمانهای اطلاعاتی دانشجویان ایرانی را بر علیه شاه تحریک می کنند، در داخل ارتجاع سیاه و واپس مانده مذهبی همراه با توده ای ها و کمونیستها و مارکسیستهای اسلامیزه با کمک فوکلی های مذهبی و بازاریان چپاولگراتحادی نامقدس و شوم را پی ریزی میکنند. ناگاه کشور در شورش و هرج و مرجی عظیم فرو می رود و جزیره ثبات تبدیل به جزیره ای ناامن و پرخروش می شود. روح الله را که سالها استعمار در آب نمک خیسانده، از خمره بیرون می کشند و از آن مفلوک عقب مانده ، یکشبه قهرمانی بی بدیل می سازند. دشمنان ایران شادمان و پایکوبان ، آهنگ رفتن شاه و آمدن خمینی را سر میدهند.

سر انجام شاه میرود. گویا با رفتنش ، آرامش ، امنیت ، غرور، سرافرازی و امید نیز از ایران رخت بر می بندد.
آن بی خبرانی که از رفتنش شادمان شدند ، امروز در یافته اند که سخت اشتباه میکردند. آنانی که در رفتنش گریستند ، امروز با چشمانی خونبار شاهد سقوط یک کشور و یک ملت در ورطه هولناک ترین مرداب تاریخ هستند.
آنانی که نقشه شوم این خیانت و جنایت را کشیده بودند ، خود گرفتار هیولای تروریسمی شدندکه روح الله خمینی بنیان گذارش بود.

ملت ایران در طول تاریخ پرفراز و نشیب خویش روزهای تلخی را دیده و پشت سر گذاشته اند امّا 26 دیماه 57 روزی است که بعنوان تلخ ترین روز مّلی در تاریخ ایران ابدی خواهد شد.

دکتر سعید احمدی

CONFIDENTIAL

هفده دی
زنان ایران در عصر پهلوی یکم و دوم

زنان ایرانی قبل از کشف حجاب

سرنوشت زن ایرانی ، بگواهی تاریخ ،تا آنجا که مدارک موجود می باشد، بررسی گردیده است . بعد از حمله اعراب و استقرار اسلام و بعد از آن پدید آمدن طریقت تشیع و بدنبال آن گشایش دکان مذهب ،هر قدر که شریعت مداران و دکانداران در جامعه نفوذ بیشتری پیدا می کردند،ظلم و ستم مضاعفی بر سر جامعه زنان ایران،تحمیل می شد.و سر انجام نیز کار بجایی رسید که نه تنها دیگر از پوراندخت ها و آذرمیدخت ها و آرتیمیس ها اثری در جامعه دیده نمی شد،بلکه زنان برای دفع شهوت روز افزون مرد ها و یا بعنوان موجوداتی حقیر و بی ارزش که چون عروسک خیمه شب بازی باید ملعبه دست مردان باشند،مورد تحقیر و تخفیف تاریخی قرار گرفتند.

می بینیم که،چگونه زمانی مغولهای بیابان گرد ،به ایران یورش آوردند،در جامعه ای که رویاروئی زمامداران برجسته زن در معیار جهانی داشت،زنانی را یافتند که حتی ارزش زن عشایری مغول بر آنها برتری داشت .

دربررسی تاریخی نشان داد که حتی استقرار مشروطیت نیز نتوانست یکهزارم حقوق طبیعی و مسلم زنان را که ۱۴۰۰ سال از آنها به سرقت رفته بود ،به خود آنها باز گرداند و خواهیم دید تنها با طلوع آفتاب سلطنت پهلوی ها بود که اندک اندک و علیرقم همه مخالفتها،امکان داده شد که زن ایرانی از لاک ۱۴۰۰ ساله بیرون آید و تا سال ۱۳۵۷ ،به تدریج و شتابان در جایگاهی از ارزش های تاریخی قرار گیرد که کشورهای پیشرفته ،هنوز هم از بسیاری از ویژگیهای آن محروم هستند.

زنان پس از کشف حجاب در دوره رضا شاه بزرگ

حدف از پرداختن و بررسی جایگاه زنان ایران در عصر پهلوی است و آنچه تا کنون آمده ،در حقیقت تنها نشانه هایی بود که میتواند ،در مقام مقایسه ،خدمات شاهان بزرگ پهلوی ،به جامعه زنان ایران را نشان دهد، به این امید و نیت که با دستیابی به این واقعیات،از آن بعنوان سکویی برای آغاز مبارزه ای سرنوشت ساز علیه جمهوری غاصب اسلامی که از پیش از ایجاد خود ،دشمنی کینه توزانه خود را با زن و مقام زن نشان داده است،بهره گرفته شود.

در دهه های اواخرسده سیزده شمسی،دگر گونی بزرگ فکری در ایران رشد صعودی در پیش گرفت که در بر گیرنده مرد و زن بود. در کشورهایی با فضای فکری و سنتی مانند ایران،اندیشه و آزادی را ابتدا باید در فکر مردان روشن فکر و پیشروپیگیری کرد. ابتدا باید مردان را از بند های کهنه و خرافی رها کرد تا راه را برای پیشرفت زنان و آگاهی آنان گشاده شود.

CONFIDENTIAL

در این دوران با مردان روشنفکری روبرو می شویم که در اشعار و نوشته ها و سخنرانی هااز جایگاه نا مناسب زن در اجتماع و لزوم آزادی آنان می گفتند و ی نوشتندمانند:آخوند،زاده،طالب اف،ملکم،دهخدا،ملک المتکلمین،سید جمال واعظ،احمد کسروی،قزوینی ،حسن رشدیه،تقی زاده،دولت آبادی،اشرف الدین گیلانی و دیگران،برخی ازآنها به راهنمایی دختران و همسران خودبرای پایه گذاری آموزشگاهها می پر داختند.صفیه یزدی به پشت گرمی همسرش شیخ حسین یزدی که یکی از مجتهدان طراز اول پنجگانه مجلس شورای ملی بود،در مدرسه در باره مسایل اجتماعی زنان سخنرانی می کرد. مسلم است نخستین قدم پیکار با خرافات و بیسوادی و عقب ماندگی فرهنگی بسیار بود که بانوانی مانند بی بی خانم وزیر افو طوبی خانم آزموده از پیشگامان آن بودند.

پیشگامان جنبش زنان با پایه گذاری آموزشگاهها و تشکیل سازمانهایی برای شرکت در پیکار آزادی خواهی با مردان و سازماندهی انجمن های زنان با مخالفت های سنت گرایان روبرو بودند. مدرسه و خانه آنها ویران می شد آنها را در راه مدرسه سنگ باران می کردندبر سر بانو ناموس بنیاد گذار مدرسه ناموس در شیراز ۱۳۰۵خاکستر و آتش ریختند. مردانی که به پشتیبانی زنان بر می خواستند تهدید می شدند. و متهم به بی دینی و بابی گری می شدند امآزنان از پای نمی نشستند، و با تشکیل انجمنهای پنهانی و علنی صدای خود را به گوش اجتماع می رساندند"ار قبیل انجمن آزادی زنان و سپس انجمن مخدرّت وطن "که در ۱۲۸۹ شمسی سارمان یافت.

اولین وزیر زن ایران زنده یاد دکتر فرخ رو پارسا

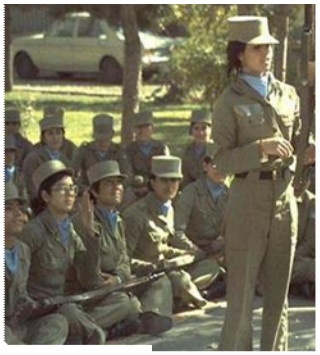

برای نمونه که بدانیم چه ردهای از زنان در این انجمن فعالیت داشتند ،نان عدهای از شصت تن عضو آن را بر می شماریم مانند:همسر ملک المتکلمین ،همسر میرزا سلیمان خان میکده،عفت الملوک خواجه نوری ،خواهر شیخ الملک،زینت الملوک (دختر مخبر الدوله)،زن میرزا کاظو خوش نویس ،هما محمودی، و همسر سید کاظو رشتی.

زنان درحال آموزش نظامی

هم اکنون می بینیم که ،سالهای پس از اسارت ملت بزرگ ایران در چنگ حکومت غاصب جمهوری اسلامی، هنوز دشمنان ایران که خود نقش کارسازی در بقدرت رساندن شریعت مداران داشته اند،با آنکه اینک از رانده شدگان همان دستگاه هستند،از سر بغض و کینه ای نا معلوم نه تنها حاضر نیستند باحقیقت و حتی قسمتی از حقیقت آشتی کنند،بلکه از هر فرصتی برای واژگونه نشان دادن واقعیات و حقایق نیز سوء استفاده می کنند و باین ترتیب آب به آسیاب دشمن می ریزند و نا آگاهان را نیز در جهت خود نمایی های خویش فریب می دهند.

زنان در دانشکده افسری

با جرات میتوان ادعا کرد که پس ار سقوط ساسانیان ،تنها دوره ای که زنان ایرانی طعم آزادی را چشیدند،معنای واقعی امنیت زنانه ،خانوادگی و اجتماعی را درک کردند،امکان فراگیری در همه سطوح بر ایشان فراهم آمد،از حقوق برابر مردان در بیشتر موارد برخوردار گردیدند،و از آزادی و دانش و بینش زنانه و مادران خود ،در سطوح خانواده ودر سطح جامعه،کشور و جهان ،در خدمت ایران، نسل های ایران ،و جامعه بشری قرار گرفتند،در ۵۷ سال سلطنت دودمان پهلوی بوده است .

برای آنکه دریابیم ،پادشاهان پهلوی در چه شرایطی به ندای زنان ایران پاسخ دادند،ناگزیر باز هم باید به گذشته و آخرین سالهای سلطنت پادشاهان قاجار برگردیم و سیر حوادث را تعقیب کنیم. (H.B)

CONFIDENTIAL

بیانیه نیروهای پادشاهی بمناسبت مراسم بزرگداشت شاهزاده علیرضا پهلوی و والا گهر شهریار شفیق

3 ژانویه 2013,

چهاردهمِ دیماه، دومین سالگردِ درگذشتِ دلخراشِ شاهزادهء میهن، روانشاد شاهزاده علیرضا پهلوی ؛سالگردِ به ابدیت پیوستنِ نهالی از انسانیت، که در 44 سالگی، دوریِ از میهن، کاسهء صبرش را لبریز و او را بسوی وداع با زندگی برد .آری، همگیِ ما از مرگ میترسیم، اما او که مردی از تبارِ خدمتگزاران و میهن دوستان بود، به مرگ لبخند زد و مردانه به مرگ گفت:

عمری به اسارتِ تو بودم ای مرگ لرزان زِ اشارتِ تو بودم ای مرگ
امروز خوش آمدی صفا آوردی مشتاقِ زیارتِ تو بودم ای مرگ

ولی ای کاش که او هم همچو ما از مرگ میهراسید و زنده میماند و وجودش قوتِ قلبِ ما میبود.

آری، "شاهزاده علیرضا" و همچنین پسر عمهء ایشان " والا گهر شهریار شفیق"، از اندک گلهایی بودند که بوی تداومِ

فرهنگ و تاریخِ پر افتخارِ پادشاهی را میدادند و با رفتنشان آهی سوزان در دلها انداخته و در سرمای زمستانیِ اسارت و درد، گلزارِ محبت را تهی گذاشتند.

میهن پرستانی که آرزوی سفرِ دوباره و خدمتِ به وطن را در قلبهایشان میپروراندند، اما زمان و دلتنگی، آنان را فرصتی نداد و ابدیت، آنان را بسوی خود طلبید.

امید است که باورمندانِ به فرهنگ و تاریخِ کهن و والای شاهنشاهی، این یاد و خاطره ها را فقط برای تسکینِ دردِ خویش، زنده نگه ندارند، بلکه با نشان دادنِ بیداریِ خود، در جستجوی نطفهء اتحاد برای رهاییِ میهن باشیم.

ما باورمندان، با نثارِ اشکهای خود، میثاقِ خود را در ادامهء راهِ این جانباختگان و همهء دیگر جانباختگانِ راهِ آزادی، تجدید نموده و تا سرنگونیِ جمهوریِ خودکامهء اسلامی و بازگرداندنِ هویتِ ملیِمان به میهن، آرام نخواهیم نشست.

روح و روانِ بزرگشان شاد

پاینده ایران و هویتِ اصیلِ ایرانی

امضا کنندگان:

جنبش سیاسی اجتماعی پیروان مشروطه به پادشاهی رضا شاه دوم
انجمن پادشاهی ایران
پرچمداران انقلاب مشروطیت ایران
جبهه نجات
سربازان ایران اریایی
گروه فرهنگی سیاسی ایرانپاد در هیوستون
ستاد هماهنگی مرزداران میهن
سازمان مشروطه خواهان پادشاهی پارلمانی ایران
سازمان زنان ایران (صدای زنان ایران(
سازمان رستاخیز نوین ایران

گرامیداشت سالگرد 21 آذر

علیرغم مصوبات کنوانسیون ژنو، مبنی بر عدم تعرض به کشورهائی که در دوران جنگ اعلان بیطرفی نموده اند در سحرگاه سوم شهریور ماه 1320 خورشیدی (برابر با 5 آگوست1941) کشور عزیزمان ایران ، مورد حمله ناجوانمردانه نیروهای انگلیسی از سوی جنوب و نیروهای اتحاد دجماهیر شوروی سوسیالیستی از سوی شمال قرار گرفت که به اشغال کامل ایران انجامید.

پس از شکست آلمان و متحدانش در جنگ ،انگلیسی ها نیروهای نظامی خود را از ایران خارج نمودند،اما استالین طبق یک نقشه دقیق و از قبل طراحی شده قصد جداسازی شمال غربی ایران را در سر داشت . لذا به میرزا جعفر باقراف ،صدر وزرای جمهوری شوروی آذربایجان ، دستور مستقیم می دهد تا نقشه ای را جهت جداسازی آذربایجان از پیکر ایران تهیه کنند و نیروهای شوروی نیز آنان را حمایت نمایند.
در ایران میرجعفر جوادزاده خلخالی ، " معروف به سید جعفر پیشه وری " که قبلا به وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی گیلان رسیده بود ، در دوره 14 مجلس شورای ملی از طرف تبریز بعنوان نماینده اول به مجلس معرفی می شود ، اما نمایندگان ملی و محافظه کار و حتی برخی از نمایندگان توده ای با او به مخالفت می پردازند و علیرغم حمایت های بیدریغ دکتر محمد مصدق از پیشه وری ، اعتبار نامه او مورد تصویب نمایندگان مجلس قرار نمی گیرد. پیشه وری در صحن مجلس با عصبانیت میگوید "من از پنجره بیرون رفتم ولی از در باز میگردم"
پیشه وری پس از تماس با جعفر باقراف و اطمینان از حمایت او و استالین، حزب دمکرات آذربایجان را با هدف جدانمودن آذربایجان از ایران در تاریخ 12 شهریور 1324 مطابق با 6 ژوئیه 1945 تاسیس نمود و با کمک نیروها ی اشغالگر روس " آذربایجان میللی حکومتی" را بوجود می آورد.متن تلگراف پیشه وری و سایر سران فرقه دمکرات آذربایجان به میرجعفر باقراف ، دبیر اول حزب کمونیست جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان که در روزنامه آذربایجان ارگان فرقه دمکرات آمده چنین است:
پدر عزیز و مهربان میرجعفر باقراف ، خلق آذربایجان جنوبی که جزء لاینفک آذربایجان شمالی است مانند همه خلق های جهان ، چشم امید خود را به خلق بزرگ شوروی و دولت آن دوخته است .
ایران اشغال شده و جنگ زده که نیروهای نظامی اش در هنگام اشغال قوای روس و انگلیس نابود شده و توان دفاع از خویش را ندارد، در مقابل این حرکت ننگین به جوش و خروش در میاید. مردم در سراسر کشور دست به اجتماعات میهن پرستانه میزنند و خواهان خروج نیروهای شوروی و آزادسازی اذربایجان میشوند. ایلات و عشایر ایران در کنار مردم اعلان همبستگی نموده و شوری یکپارچه کشور را فرا میگیرد.
شاه جوان که کشورش را در معرض سقوط می بیند ،سعی می کند با آگاه نمودن جامعه جهانی و کشورهای پیروز در جنگ آنان را از طریق دیپلماتیک با موقعیت خطیر ایران آشنا نماید و صریحا" اعلام می کند:

اگر دست مرا قطع کنند سند تجزیه آذربایجان را امضاء نخواهم کرد"

سخنان میهن پرستانه و پرشور شاه به شور و هیجان عمومی می افزاید ،ازسوی دیگراقدامات و رایزنی های مدبرانه نخست وزیر ایران قوام السلطنه وتهدید نظامی شوروی از سوی غرب نیز به کمک ایران می آید بطوری که سرانجام نیروهای نظامی شوروی آذربایجان را تخلیه میکنند و در 21 آذرماه 1324 خورشیدی (1946میلادی) نیروهای ایران به فرماندهی افسر شجاع و میهن پرست ایرانی سپهبد حاج علی رزم آرا وارد تبریز شده و با پیشروی آنان ، پیشه وری و دارو دسته او به آنسوی مرز می گریزند و بدین ترتیب عمر کوتاه و سراسر ضد ملی فرقه دمکرات آذربایجان به پایان میرسد.در 21 آذر شکوه همبستگی ملی ایرانیان یک بار دیگر نمودار گشت و آذربایجان قلب تپنده ایران در آغوش پرمهر مادر باقی ماند و ملت قهرمان ایران به جهانیان نشان داد که کهن دیارش را می پرستد و برای نگهداری از آن آماده هرگونه جانبازی است . توطئه گران داخلی و حامیان جهانی آنان که رویای جداسازی را در سر می پرورانند باید بدانند وآگاه باشند که ملت قهرمان ایران هرگونه حرکت ضد ملی را زیر نظر داشته وبا یاوه گویان و بیگانه پرستان همان شیوه ای را در پیش خواهند گرفت که در 21 آذر سرافرازانه به نمایش گذاشتند.
با درود به همه قهرمانان ملی ایران و همه آزاد مردانی که در نجات آذربایجان و بازگشتش به آغوش مام میهن جانفشانی نمودند .

دکتر سعید احمدی دبیر سازمان ایران پاد

CONFIDENTIAL

جبهه همآهنگ مبارزان ایران

Iranian Democracy Front

آگاهینامه، آذرماه 1391 برابر 2571 هخامنشی
دهم دسامبر2012، شست و چهارمین سالروز حقوق بشر

شست و چهار سال پیش، روز دهم دسامبر 1948، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب سازمان ملل متحد و به امضای کشورهای عضو، از جمله ایران، رسید.

ماده نخست این اعلامیه، که پایه های انسانی آن پیشینه ژرف فرهنگی و تاریخی در ایران دارد و با روح منشور کوروش بزرگ همخوان است، چنین میگوید: « تمام افراد بشر آزاد بدنیا میآیند و از لحاظ ارزش و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» جای آن دارد که یادآور شویم که کوروش بزرگ، شاهنشاه ایران، بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، نخستین لوحه حقوق بشر را به جهانیان عرضه کرد، سندی که همواره باعث افتخار جامعه بشری بوده است. شایسته است که سالگرد این روز جهانی را به همگان شادباش گفته وکوشش نمائیم که ملت ایران و همه ملتهای زیر یوغ دیکتاتوری، حقوق انسانی خود را بدست آورند

بررسی سی و سه سال گذشته نشان میدهد که مردم ایران، در زیر آزار و شکنجه حکومتگران، از مزیتهای نخستین حقوق بشر محرومند و بعلت واپسگرایی، نادانی و فساد رژیم جمهوری اسلامی، میلیونها نفر در فقر و سختی به سر میبرند. هم اکنون نابسامانی اقتصادی روزانه ده ها هزار نفر از طبقه میانه را بزیر خط فقر کشانده است. رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود کوشش میکند تا، بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر قوانین بین المللی رسانه ها، به گونه های مختلف، از جمله پخش پارازیت ماهواره ای زیانبار و بستن تارنماها، زندانی کردن، شکنجه و کشتن جوانان وبلاگ نویس، مانند ستار بهشتی، از پخش اخبار جلوگیری نماید.

چون زنان ایران شجاعانه ترین مبارزه را برای براندازی رژیم از خود نشان داده اند، این رژیم واپسگرا روزانه فشار خود را بر آنان می افزاید، از جمله به تازگی زنان را از دروس دانشگاهی محروم مینماید و مسافرت زنان مجرد زیر 40 سال را وابسته به اجازه قیم قهری یا حکم حاکم شرع میکند. در این راه حتی وکیل هائی که، مانند نسرین ستوده، به دفاع از بیگناهان میپردازند، زندانی می نماید.

با اینهمه، مردم آگاه ایران بارها نشان داده اند که، تا برکناری جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی در ایران از پای نخواهند نشست. ولی در پاسخ فریادهای آزادیخواهانه، رژیم جمهوری اسلامی اقدام به کشتار ده ها هزار جوان بیگناه، آزار و زندانی کردن همراه شکنجه، آزار جنسی، سنگسار و بریدن دست و پا و اعضای دیگر بدن مینماید. گزارشهای سازمانهای بین المللی حقوق بشر و خبری حاکی از آنست که، تنها در امسال، تعداد اعدام شدگان شناخته شده، به بیش از چهار سد و پنجاه نفر میرسد و نیز تعدادی دیگر بگونه پنهانی اعدام شده اند.

برخی از موارد نقض حقوق بشر در ایران در گزارش 2011 نماینده سازمان ملل متحد به مجمع عمومی گنجانده شده است. این گزارش پس از سالها مماشات تنظیم شد. ما از کشورهای عضو سازمان ملل متحد خواستاریم که، بگونه پیگیر، جمهوری اسلامی را، به دلیل نقض حقوق بشر در ایران، محکوم کنند.

ما از جهان آزاد و سازمانهای بین المللی میخواهیم که نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر در ایران را، از دید قانونی، جنایت علیه بشریت قلمداد کنند و همچنان که با پشتیبانی همگانی باعث آزادی لهستان و آفریقای جنوبی و سایرکشورها شدند، از مردم مبارز ایران پشتیبانی راستین و موثربنمایند و آنانرا یاری دهند تا این رژیم ضد بشری را، که سد راه آزادی و دمکراسی در منطقه و صلح جهانی میباشد، از میان بر دارند و پایه صلح و آرامش را در منطقه پی ریزی نمایند و به گسترش منافع مادی و معنوی دراز مدت مردم ایران و جامعه جهانی یاری رسانند

جبهه همآهنگ مبارزان ایران (شامل سازمانهای زیر به ترتیب الفبا:)

اتحاد عشایر ایران، انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی، انجمن زنان پارسی، انجمن فرهنگ ایرانزمین، پشتیبانان جنبش دموکراسی در ایران، پیمان برای دمکراسی، رادیو آزادگان-سوئد، جبههٔ ملی ایران خارج از کشور، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت حمایت از مبارزات مردم ایران، جمعیت خرد پیشگان ریشه ای، حزب دموکرات ایران، سازمان ایران پاد (هوستن)، سازمان ایران پاد (لس آنجلس)، سازمان پیام، سازمان جوانان هوادار مشروطهٔ پادشاهی، سازمان سرباز، سازمان همبستگی ایرانیان، سازمان همبستگی زنان ایران، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت، کانون خرد، کنگرهٔ همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران.

CONFIDENTIAL

ارائه اولین شکایتنامه علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی به اتهام جنایت علیه بشریت براساس ماده هفتم اساسنامه Rome به شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط شاهزاده رضا پهلوی

در چند روز گذشته شاهزاده رضا پهلوی گزارش و شکایتنامه ای علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرده است که طبق آن آقای خامنه ای بر اساس ماده هفتم اساسنامه رم متهم به جنایت علیه بشریت شده است. شاهزاده رضا پهلوی همچنین از این شورا درخواست کرده که این شکایت و گزارش را به دادگاه کیفری بین المللی ارجاع کنند.

برای بررسی این شکایت و چگونگی شکل گیری آن،توسط خبرنگار یورونیوزاز شاهزاده رضا پهلوی این سوال را مطرح شد که این شکایت بر چه اساسی تنظیم شده است؟

شاهزاده: مبنای شکایت مطلبی بوده که مدتها روی آن کار شده توسط کارشناسان و حقوقدانان و فعالین حقوق بشر هم در ایران و هم در خارج جهت تهیه کردن سندی که بر مبنای آن جنایات علیه بشریت را در اصل مطرح میکند و این اتهامی که مسئولیت اصلی این جنایات را به شخص علی خامنه ای که نهایتا تصمیمگیر است در نظام جمهوری اسلامی و در واقع اکثریت ساختارهای سیاسی و شبه سیاسی و به هرحال دولتی و حکومتی و اطلاعاتی یا نظامی حتی قضائی تحت نظر ایشان است و نهایتا تمام تصمیمات را عملا به عهده می گیرند و از این طریق باید مشخص می کرد که یک نفر این وسط بالاخره جوابگو و پاسخگوی اینها باشدم به همین دلیل بود که شخص علی خامنه ای را ما مسئول می پنداریم.

یورونیوز: این اتهام سنگینی است که برای اثبات آن به مدارک و شواهد بسیار محکمی نیاز است. آیا شما به غیر از گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مدارک و شواهد دیگری ضمیمه شکایتتان کردید که به اثبات این اتهام کمکی بکند؟

شاهزاده: با متخصصینی تا به حال صحبت شده که نه تنها خودشان مشاورین حقوقی و سیاسی دولتهای مختلفی هستند، بلکه مبانی که در این گزارش آمده و خیلی شواهد دیگری که به تدریج در این مدت به این سند اضافه خواهد شد ، بیش از حداقل کافی برای اینکه سندیت بدهد برای لزوم رسیدگی به یک پرونده جنایی کاملا درآن مستتر است.

البته متأسفانه دادگاه کیفری بین المللی، نقض حقوق بشر در ایران از سال 1999 به بعد را می تواند رسیدگی کند. این دادگاه الزاما نمی تواند به خیلی از مواردی که قبل از آن تاریخ اتفاق افتاده، رسیدگی کند اما به هرحال با توجه به اینکه چه در ارتباط با اقلیت های مذهبی چه در ارتباط با اقوام ایران چه در ارتباط با بطور کلی نقض حقوق بشر فعالین سیاسی زندانیان سیاسی اعدام ها شکنجه ها تا شرایطی که منجر میشود به یک جنایت علیه بشریت که فقط محدود به خشونت ها و یا اعدام ها و اینجور مسائل

نمی شود بنابراین کسی که وضعیت ایران را در این 33 سال دنبال کرده باشد کاملا می داند که انواع و اقسام این اتفاقات متأسفانه در ایران اتفاق افتاده است و بنابراین در حد کافی مدرک و دلیل و سند و توضیحاتی هست نه تنها در این پرونده بلکه خیلی مسائل دیگری که می تواند برای تعقیب آقای خامنه ای توسط دادگاه کیفری بین المللی ضمیمه این شکایت بشود.

یورونیوز: انتظار شما از شورای امنیت چیست؟

شاهزاده: وظیفه یا مسئولیتی که شورای امنیت سازمان ملل در این مورد بخصوص دارد، دقیقا رسیدگی به این نوع شکایت هاست در صورتی که اعضایش توافق بکنند و از این برنامه پشتیبانی کنند که طبیعی است که انتظار من نه تنها از خود شورای امنیت سازمان ملل دقیقا رسیدگی به همین وظیفه و مسئولیتی است که قطعا در این مورد دارند، بلکه تمام پشتیبانی های لازمی که از یک سو هم میهنان ما می توانند به عناوین مختلف انجام بدهند برای رسیدگی به این شکایت با فشارهای مختلف آوردن بر دولت ها، احزاب سیاسی، نهادهای به هرحال چه دولتی چه در بخش جوامع مدنی این کشورها و همینطور شهروندان جهان که در این مورد می توانند پشتیبانی خودشان را از این حق پایمال شده مردم ایران نشان بدهند و از دولت های خودشان بخواهند که در این مورد، این رسیدگی حتما انجام شود.

یورنیوز:با در نظر گرفتن روابط روسیه و چین با جمهوری اسلامی، آیا شما این امکان را می بینید که شورای امنیت بتواند در ارتباط با شکایت شما اقدامی جدی علیه اقای خامنه ای را سامان دهد؟

شاهزاده: آیا دولت چین یا روسیه این مسأله را وتو خواهند کرد یا نخواهند کرد، با هم باید در انتظار نتیجه اش باشیم .واقعیت این است که جهان امروز جهانی است که در جهت احقاق حقوق ملت ها پیش می رود. از بهار عرب گرفته تا تمام نهضت های مختلفی که در سرتاسر جهان بوده نه تنها در رابطه با حقوق بشر بلکه بطور کلی آزادی و دموکراسی و مشارکت ملت ها در امر حکومت هایشان و برخورد امروزی در قرن بیست و یکم و در یک جهان فرای جهان دوقطبی دوران جنگ سرد نشان دهنده این است که دیگر کشورها و ملت هایشان زیر بار این تحقیر و فشار یا زور این حکومت های استبدادی نخواهند رفت. بنابراین توقع داریم که جهان آزاد به خصوص کشورهای دموکراتیک، پاسخگوی این مسأله باشند

...ما مردم ایران می دانیم تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی در کشور ما سر کار باشد به هیچ کدام از اهداف و خواسته هایمان نخواهیم رسید و چه دنیا بخواهد و چه نخواهد ما این کار را خواهیم کرد، منتها سئوال این است که آیا جهان در اینجا جواب مردم ایران را خواهد داد یا بالای سر مردم ایران بخواهد باز معامله ای با این نظام ورشکسته انجام بدهد...

یورنیوز : در گذشته شورای امنیت در مورد چند به ائتلاف های غربی اجازه دخالت نظامی داد. آیا اگر در مورد ایران هم شورای امنیت چنین تصمیمی بگیرد شما از آن حمایت خواهید کرد؟

شاهزاده: ابدا. من مخالف کامل هرنوع برخورد نظامی به هر دلیل و شکلی در ارتباط با کشورم هستم. اولا چون باور دارم که نتیجه بسیار منفی خواهد داد. دوما لزومی به این کار برای تغییر اساسی در مملکت نیست. منتها سئوال اصلی در اینجا است که آیا دنیا به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام ورشکسته سرکوبگر باید برای همیشه از بین برود آنهم البته به دست مردم ایران یا تمام این فشارهای اقتصادی از طریق تحریم برای کشیدن جمهوری اسلامی مجددا به میز مذاکرات در ارتباط با فرضا پرونده هسته ای اش است. **ما** مردم ایران می دانیم تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی در کشور ما سر کار باشد به هیچ کدام از اهداف و خواسته هایمان نخواهیم رسید و چه دنیا بخواهد و چه نخواهد ما این کار را خواهیم کرد.

یورنیوز:.... با توجه به مخالفت شدیدتان با اقدام نظامی علیه ایران ... در گذشته هم مخالفت خودتان رو با تحریمهای شدید علیه ایران ابراز داشتید.....

یورنیوز: با توجه به مخالفت شدیدتان با اقدام نظامی علیه ایران و همینطور در گذشته هم مخالفت خودتان را با تحریمهای شدید علیه ایران ابراز داشتید چه اقدام دیگری برای شورای امنیت میتواند وجود داشته باشد که علیه آقای خامنه ای و دیگر سران جهموری اسلامی که به هر حال متهم به ارتکاب این جنایات هستند انجام دهند؟

شاهزاده: شما می توانید تحریم ها را به شکل تحریم های دیپلماتیک کنید، تحریم های مالی کنید، حساب این عوامل سر کار را در سطح بین المللی بلوکه کنید. از تمام سران رژیم بگیرید از بعضی از حساب هایی که مربوط می شود به خود دستگاه های این حکومت چه اطلاعاتی چه انتظامی و این یک راه فشار بیشتر آوردن بر خود مسئولین است بدون آنکه الزاما فشارش روی مردم ایران بیاید به عنوان اینکه از نظر اقتصادی یک فشارهای کمرشکنی به وجود بیاید. این سیاست می تواند یک سیاست انفجاری را باعث بشود. من معتقد نیستم که یک سناریوی انفجاری در جهت ایجاد یک ثبات نتیجه بخش باشد. یک وضعیت آنارشی را فقط می تواند به وجود بیاورد کمااینکه در حال حاضر وضعیت بحرانی اقتصاد ایران را همه شاهدش هستیم. در صورتی که ما می توانیم از نظر یک فروپاشی درونی خود سیستم بدون این که مملکت به حد انفجار برسد ازاین طریق اقدام کنیم . البته این تنها کافی نیست که اهرم فشار بیرونی بر جمهوری اسلامی باشد، یک اهرم فشار درونی هم باید به وجود آورد و این تنها می تواند حمایت مستقیم باشد از نیروهای فعال هم درون کشور که علیه نظام در رابطه با یک نافرمانی مدنی به دور از خشونت دارند فعالیت می کنند و در واقع جهان باید یک دیالوگ مستقیم با این نیروها به وجود بیاورد، چیزی که در این 33 سال تا امروز پدیدار نشده است. راهش وجود دارد اما اراده اش تا به حال نبوده است.

حالا که با شما صحبت می کنم قطعا بدانید که همینطور در حال تکمیل شدن بیشتر و بیشتر این پرونده می تواند باشد و خواهد بود و در اینجاست که دقیقا به شما می گویم، تمام ساختارهای غیر انتفاعی به اصطلاح جامعه مدنی ایران که در ارتباط با مسائل مربوط به نقض حقوق بشر در ایران سال ها است که تلاش کرده و مدرک جمع کردند می توانند در تکمیل این پرونده کمک

باشند، یاری بدهند به حقوقدان هایی که در این راه پیشقدم شدند و همینطور نهادهای غیرایرانی که در طول این سال‌ها آنها نیز به سهم خودشان روی پرونده های نقض حقوق بشر انواع و اقسام مدارک و اسناد را داشتند، از سازمان عفو بین المللی بگیرید تا سایر سازمان های حقوق بشری.

...منتهی هدف اصلی ما به عنوان مبارزین رسیدن به شرایطی است که در کشورمان بتوانیم انتخابات آزاد برگزار کنیم ...جهان فقط به پرونده هسته ای ایران نگاه می کند در صورتی که برای ما مردم ایران آنچه که بحث اصلی است نقض حقوق بشر و نداشتن آزادی است...

... من دو هدف اساسی و رسالت سیاسی برای خودم قائلم به عنوان یک فرد ایرانی بیشتر ادعا نمی کنم. یک، رسیدن به حاکمیت صندوق رای است و دوم، حفظ حاکمیت صندوق رای. والسلام. حالا شکل نظام چه باشد و محتوایش چه باشد، آن تصمیم و اراده مردم ایران است و تا آن روزی که آن مردم نتوانند این تصمیم را بگیرند، در آن فضایی نیستند که بتوانند به این آزادی برای این تعیین سرنوشت دست پیدا کنند،....

یورونیوز: آخرین سئوالی که از شما می‌کنم مربوط می شود به فعالیت‌های شما که اخیرا شدت پیدا کرده است. بسیاری نام شما را با نظام پادشاهی متصل و یکی می دانند. جدا از اینکه انتخاب مردم در آینده چه باشد و همینطور سوابق خانوادگی خودتان، نظر شخصی شما در این مورد که در جهان امروز چه نوع نظامی مناسب تر برای ایران است چیست؟ نظام پادشاهی یا جمهوری؟

شاهزاده: امروز موضوع شکل نظام نیست. موضوع اصلی ما محتوای نظام است. ولی من به شما می توانم به صورت خیلی راسخ و محکم و پوست کنده بگویم. **من دو هدف اساسی و رسالت سیاسی برای خودم قائلم به عنوان یک فرد ایرانی بیشتر ادعا نمی کنم. یک، رسیدن به حاکمیت صندوق رای است و دوم، حفظ حاکمیت صندوق رای. والسلام. حالا شکل نظام چه باشد و محتوایش چه باشد، آن تصمیم و اراده مردم ایران است و تا آن روزی که آن مردم نتوانند این تصمیم را بگیرند، در آن فضایی نیستند که بتوانند به این آزادی برای این تعیین سرنوشت دست پیدا کنند،** در این مرحله تنها فوکوس من، تنها توجه من، فقط به این مسئله است. وارد بحث های فلسفی و وارد بحثهای شکل ساختاری نمی شوم.

...هر چه اکثریت مردم تصمیم گرفتند در غالب یک حکومت دمکراتیک به آن خواهیم رسید. بنابراین مسأله این نیست که من از چه خوشم می آید و از لحاظ سلیقه ای چه نظری دارم...

من از اصل و پایه شروع می کنم که ما باید دارای این حق باشیم و انتخاب، در یک تمرین دمکراتیک با مردم خواهد بود. **هر چه اکثریت مردم تصمیم گرفتند در غالب یک حکومت دمکراتیک به آن خواهیم رسید. بنابراین مسأله این نیست که من از چه خوشم می آید و از لحاظ سلیقه ای چه نظری دارم. به عنوان ایرانی سلیقه های مختلفی داریم و از دیدگاههای مختلف ایدئولوژیک و سلیقه ای با قضیه برخورد می کنیم اما باید این سئوال را از خودمان قبل از هرچیزی بپرسیم تا آن روزی که ما فرصت این انتخاب آزاد را نداشته باشیم این بحث ها آیا بحث های اولیه است یا بحث های ثانوی؟. تا آن فضا را ایجاد نکنیم چه چپ باشیم چه راست باشیم چه مشروطه خواه باشیم چه جمهوری خواه باشیم، آیا می توانیم به آن حق رأی خود دست پیدا کنیم . اگر به عنوان افراد دموکرات باور داریم و اعتقاد داریم به حاکمیت صندوق رأی، آیا این** صندوق رآی الان در ایران است که ما می خواهیم سر آن اختلاف نظرهایمان را به رأی بگذاریم؟ پس اولویت در کجاست؟ یک خط قرمز هم بیشتر نیست. یک حکومتی مذهبی که جلوی این حقوق مردم ایران را گرفته و در مقابلش تمام کسانی که در مخالفت این نظام در جستجوی یک نظام دموکراتیک سکولار هستند و اصل این که نهایتا چه چیزی باید بالاترین منبع تصمیمگیری و حاکمیت باشد و آن هم باید رأی مردم باشد. اگر بخواهیم واقعا به حکومت مردم بر مردم برسیم یا جمهوریت به معنای اصلی کلمه، شکلش را مردم تعیین خواهند کرد.

... پس اولویت در کجاست؟ یک خط قرمز هم بیشتر نیست. یک حکومتی مذهبی که جلوی این حقوق مردم ایران را گرفته و در مقابلش تمام کسانی که در مخالفت این نظام در جستجوی یک نظام دموکراتیک سکولار هستند.

نگاهی به کتاب دکتر محمد مصدق؛ آسیب‌شناسی یک شکست

متن زیرمرور کوتاهی است که زنده یاد ثاقب فر بر کتاب "آسیب شناسی یک شکست" تالیف دکتر علی میرفطروس نوشته است. انسان هنگامی که این دلاوری و روشن بینی در نزد مردی که در تهران اینگونه حق مطلب را ادا می کند را با فرومایگی و دریوزگی کسانی که در برونمرز عافیت طلبی می کنند را مقایسه می کند، شگفت زده می شود.
ثاقب فر پیشینه فعالیت در جبهه ملی و سپس چریکهای فدایی را در دهه چهل خورشیدی داشت و در یک تحول ژرف از دهه پنجاه به انتقاد از خود و همرزمان سابقش پرداخت، به شاهنامه پناه برد، تالیفات با ارزشی در تاریخ ایران باستان و هویت ایرانی نوشت و از دستاوردهای کشور در دوره شاه فقید قدردانی نمود. یادش گرامی و روانش شاد.

شاهین نژاد

این مقاله نخستین بار در آدرس زیر منتشر شده است:

http://rouznamak.blogfa.com/post-433.aspx

در 30 سالِ گذشته کتابهای بسیاری در زمینه تاریخ معاصر ایران، چه به صورتِ خاطرات شخصی، یا زندگینامه بزرگان سیاسی، یا کتابهایی با ادعای تحلیلی بودن نوشته شده‌اند، اما هیچ‌یک شاید به عمق و جامعیت و در عین حال دلاوری فکری و سیاسی کتاب دکتر محمد مصدق؛ آسیب‌شناسی یک شکست اثر پژوهنده پرکوش و پرمایه دکتر علی میرفطروس نبوده‌اند.

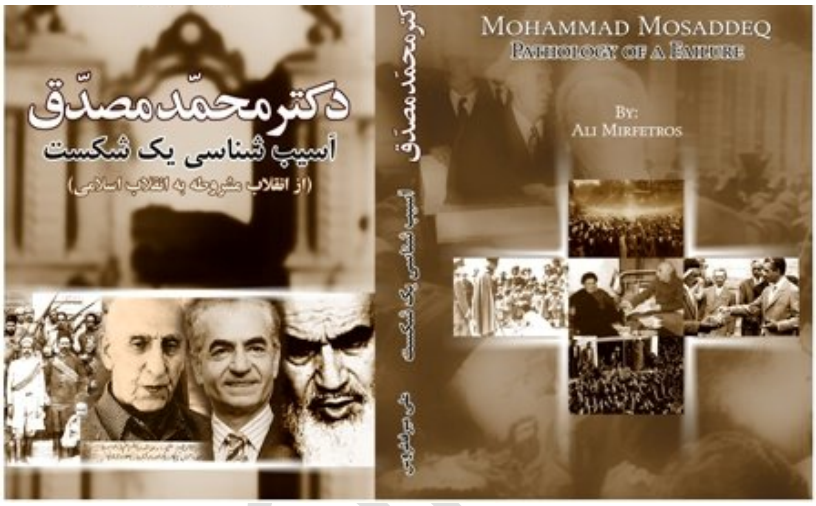

میرفطروس کوشیده تا بدون تعصب و جانبداری ایدئولوژیک یا سیاسی، تنها برای دستیابی به راستی و آن‌هم با زبانی مهربان و مودب که ویژه دانایان است و نه خشمی برخاسته از عدم اعتماد به نفس نادانان، به قلب آن‌چه خود بدرستی «سایه‌ی سنگین 28 مرداد 32 بر حافظه‌ی تاریخی روشنفکران و رهبران سیاسی ایران» نامیده است بتازد، و چه در عرصه نظری و چه واقعی، با تیزبینی به ریشه‌های برخی از شکست‌های دیگر ما ایرانیان نیز بپردازد. و از این‌رو، عنوان «آسیب‌شناسی»، که چیزی جز شناخت بی‌طرفانه علمی نیست و با نفی و انکار جانبدارانه فاصله فراوانی دارد (با همه دشواری این کار در علوم‌انسانی و بویژه تاریخ معاصر)، براستی زیبنده کتاب اوست.

خواندن این کتاب هم شوند شادی و شگفتی‌ام شد و هم اندوه دائمی‌ام را دوباره برانگیخت. اندوه من از آن‌روست که چرا فضای فکری و سیاسی کشورم پس از گذشت حدود 60 سال از آن تجربه تلخ (حال می‌گذریم از تاریخ صد ساله جنبش مشروطه) و بویژه تحمل رنج و کوبه دردناک واقعه 57 که مستقیماً میوه تلخ نشناختن و نیاموختن از تجربه دو ساله حکومت دکتر مصدق بود، باید این چنین پس مانده و کور باشد که تازه اکنون به چنین کوشش و پژوهشی نیاز افتد.
کتاب با موشکافی‌ها و تیزبینی‌های ژرف و زبان زیبا و ادیبانه خود چنان گویاست که نیازی به توضیح اضافی ندارد و تقریباً در کمتر نکته‌ای است که من خود را هم‌اندیش با آن نیافته باشم. نگاهی گذرا به مباحث اصلی کتاب به خوبی نمایانگر دیدگاه ژرفابین نویسنده و چیرگی او بر تاریخ معاصر و حتی تاریخ بعد از اسلام ایران است که فهرست وار اشاره می‌کنم:

- توجه به حملات قبایل و ایلات بیگانه با ساختار قبیله‌ای و ایلی خود به ایران و تبدیل یک جامعه شهری به جامعه‌ای با ساختار ایلیاتی، استبدادی و خان‌خانی و بنابراین یک عقب‌گرد هزار و چند ساله. در برتری این برداشت بر نظر افرادی مانند آرامش دوستدار تردیدی نیست، نظری که بدون توجه به سرشت و کارکرد دین در جامعه‌های باستانی و با همان نگرش امروزی مثلاً به جمهوری اسلامی، با دیدی کودکانه و نفرت‌بار جامعه ایران را برچسب «دین‌خو» می‌چسباند و به «امتناع تفکر» متهم می‌سازد، حال آن‌که میرفطروس به‌درستی «انقطاع تفکر» را به جایش می‌نشاند.

اما نظریه انحطاط اندیشه سیاسی در ایران که بدرستی از سوی جواد طباطبایی مطرح شده است، هر چند که تا اندازه زیادی معلول همین شکست‌ها از مهاجمان و بویژه سلطه‌ی ساختار عقب‌مانده ایلی بر جامعه ایران است، علت آن کمی پیچیده‌تر از آن است که فقط با یک عامل ماتریالیستی «ساختار اقتصادی – اجتماعی» قابل تبیین باشد، بلکه عوامل فکری – ایدئولوژیک ریشه‌دارتری در پس این انحطاط نهفته است که جای سخنش در این‌جا نیست و خود اگر زنده بودم و توانش را داشتم، و اگر آن چه در شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران گفته‌ام به اندازه کافی گویا و رسا نبوده است، باز به آن خواهم پرداخت.

- نهادینه شدن فرهنگ و اخلاق ایلیاتی به مدت 800 یا 1000 سال، که من می‌افزاییم با خود روحیه استبدادپذیری، و اخلاق ریاکارانه، رخوت‌گرایانه، صوفی‌منشانه (و نه عارفانه پیش از سده هشتم هجری)، و تقدیرگرایانه در جامعه‌ای که دست خود را از همه جا کوتاه می‌دیده را به همراه داشته است.
- و بالاخره پرداختن به موضوع اصلی یعنی ملی شدن نفت و حکومت دکتر مصدق که نویسنده با همین اسناد ناچیزی که تاکنون منتشر شده است، به‌خوبی از عهده کار برآمده و جای هیچ تردیدی برای مرددهای با حُسن‌نیت – و نه دکان‌داران چشم‌دوخته به کاخ سفید یا خانه شماره ده داونینگ استریت – باقی نمی‌گذارد که نه مصدق مرد میدان درک مصالح و منافع ملی واقعی ایران بوده است و نه جبهه ملی و احزابش.

از آن‌جا که نمی‌خواهم این نوشته زیاد طولانی شود، تنها می‌گویم که تمام مباحث و استدلالهای نویسنده در مورد 12 سال «عصر ترور و آشوب» بین 1320 تا 1332 (و من می‌افزایم 15 سال بین 1285 تا 1300)، داستان ملی شدن نفت و 28 ماه حکومت دکتر مصدق، روحیات دکتر مصدق و خطاهای وی و یاران تندرو او، بویژه رد پیشنهاد بانک جهانی، واکنش‌های درست ولی بی‌نتیجه شاه فقید (از جمله کوشش برای قبولاندن سیاسی واقع‌بینانه به مصدق و حتی مخالفتش با کودتا علیه او)، ماهیت جنبش 28 مرداد، اشتباه دولت زاهدی در محاکمه مصدق در دادگاه نظامی و ... همگی درست هستند، و حتی باور دارم که نظر نویسنده در مورد به بن‌بست رسیدن مصدق و کار درست میهن‌پرستانه او در منفعل کردن حزب توده و هواداران خود در روز 28 مرداد برای جلوگیری از افتادن احتمالی ایران به دامان شوروی و حزب توده نیز می‌تواند درست باشد.

نکته‌ای که تاکید بر آن را در این‌جا لازم می‌بینم جستجو و کاوش هوشمندانه نویسنده در ماجرای جنبش 28 مرداد است که به «کودتا» معروف شده و با توجه به کتاب کرمیت روزولت و پوزش‌خواهی وزیر خارجه آمریکا در زمان کلینتون، یعنی خانم آلبرایت، از ایرانیان به خاطر این کودتا، چه بسا شماری از جوانان را در درستی بحث‌های آقای میرفطروس دچار تردید سازد.

باید توجه داشت که نویسنده به هیچ‌وجه وجود طرح کودتا از سوی بریتانیا و قبولاندن آن با کمی تغییرات به سازمان سیا و آمریکایی‌ها را نه رد می‌کند و نه می‌تواند یا می‌خواهد که رد کند. اما با تیزبینی در اسناد و استدلالهای خود به ما نشان می‌دهد که طرح کودکانه کودتا در واقع موفق نشد. در عوض دکتر مصدق پس از عزل رسمی و قانونی از سوی شاه در 25 مرداد و سپس تظاهرات آن‌چنانی و معنادار حزب توده و رفتار احمقانه دکتر فاطمی، در چنان بن‌بست دیگری گیر کرد که یگانه راه رهایی ایران و خودش از آن، همان کاری بود که کرد: از یک‌سو انتصاب سرتیپ محمد دفتریِ شاه‌دوست به ریاست شهربانی و فرماندار نظامی تهران، و از سویی دیگر خانه‌نشین کردن توده‌ای‌ها و هواداران خود در روز 28 مرداد. و بدین‌ترتیب، دسته‌یِ گیریم کوچکی – و گیریم افراد جنوب شهر – پیشاهنگ جنبشی شدند که بیدرنگ مردم خسته و به‌جان آمده در این 28 ماه و نگران آن‌چه در این دو روز از حزب توده دیده بودند، به تظاهرکنندگان اولیه پیوستند و همراه با برخی ارتشیان میهن‌پرست و بدون دستور از بالا، تظاهرات 28 مرداد را به رستاخیزی تبدیل ساختند که نه امریکایی‌ها و نه انگلیسی‌ها انتظارش را داشتند و نه سرلشکر زاهدی و نه حتی چه بسا خود دکتر مصدق. و این از خاطراتی که نقل می‌شود و تلگرافهای ساعت به ساعت سفیر امریکا در تهران به خوبی پیداست. نکته بسیار بسیار معنادار و بی‌سابقه آن است که گویا سازمان سیا اسناد مربوط به ماجرای 28 مرداد 32 را سوزانده و هیچ‌گاه به این پرسش پاسخ نداده که چرا چنین کرده است. داستان علت پوزش‌خواهی عجیب خانم آلبرایت نیز چه بسا بعدها با فاش شدن کمک‌های مالی بنیاد خاصی به بنیاد کلینتون نیز روشن شود.

در پایان بایسته می‌دانم پیوستی تئوریک را به نظریات درست پژوهنده ارجمند بیفزایم:

نویسنده در پایان بحث نتیجه‌گیری خود (ص 368) می‌نویسد: «برخلاف نظر «مستشارالدوله»، مشکل جامعه‌ی ما «یك کلمه» (یعنی قانون) نیست، بلکه مشکل اساسی جامعه‌ی ما یك مشکل ساختاری، معرفتی و فرهنگی است و به همین اعتبار، نیازمند مهندسیِ اجتماعی و یك پیکار درونی، تاریخی و درازمدت است.»

این سخنان به‌راستی کاملاً درست‌اند، بویژه که به عامل «فرهنگ» نیز اشاره شده است، ولی بدون شکافته شدن در یک بحث دقیق‌تر و عمیق‌تر درباره «نظریه سیاسی» (که امید است توسط خود ایشان یا پژوهندگان دیگر انجام گیرد) همچنان کلی و درک‌نشده باقی خواهند ماند.
جامعه ما اگر می‌خواهد سیاستمداران «پوپولیست» و عوام‌فریب و فریفته عوام کمتر کامیاب شوند یا روزی برسد که اصلاً کامیاب نشوند؛ اگر می‌خواهد سیاست به معنای «هنر تحقق ممکن‌ها» جای ریاکاری، عوام‌فریبی و ایدئولوژی‌بازی را بگیرد، و شعور و خرد سیاسی به جای شور و هیجانات عاطفی توده‌ها و توده‌فریب‌ها بنشیند، افزون بر شناخت ساختارهای سیاسی، اجتماعی و بویژه فرهنگی، باید عمیقاً درک کند و بپذیرد که میان «اخلاق فردی» و «اخلاق اجتماعی و سیاسی» تفاوتی عمیق وجود دارد، همان‌طور که در جامعه‌شناسی میان تصورات فردی و جمعی (به‌قول دورکیم) تفاوتی عینی است؛ و این البته یک شبه تحقق نمی‌پذیرد و نیاز به کار فرهنگی طولانی و چنان که گفته شد، گسترش یافتن بحث در این زمینه و پرورش یک نظریه سیاسی درست دارد. جامعه ما هیچگاه و بخصوص در طول دو قرن گذشته این را درنیافته بود و هنوز نیز درنیافته است. و درست از همین‌روست که چه بسا خطاکارترین یا فرصت‌سوزترین سیاستمداران این دوره وجیه‌الملة‌تر و محبوب‌ترند و هوشمندترین آنها مطرودتر.

یکی دیگر از جلوه‌های این روحیه ناشی از فقدان هرگونه نظریه سیاسی واقع‌بینانه، برداشت فرافکنانه و خردگریزانه‌ی نه تنها مردم عادی ایران بلکه حتی بسیاری از سیاستمداران ما از دکتر مصدق گرفته تا آیت‌الله خمینی و حتی محمدرضا شاه (نگاه کنید به خاطرات علم) در ارتباط با قدرتهای بزرگ و بخصوص انگلیسی‌هاست. نگرانی دائمی – درست اما با درک و واکنش نادرست – نسبت به وجود «توطئه» خارجی و دست انگلیسی‌ها یا امریکایی‌ها و غیره از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد. این سخن بدان معنا نیست که «توطئه خارجی» (که اصطلاح نادرستی است و منظور سیاست خارجیان برای دنبال کردن منافع خویش است) وجود ندارد، بلکه بالعکس باید آن را چنان بدیهی و حتی پرهیزناپذیر بینگاریم که به عنوان یک پارامتر ثابت همیشه در نظر داشته باشیم، و بنابراین در محاسبات خود به جای مظلوم‌نمایی باید به خرد، هوش، شناخت و بهره‌برداری درست از امکانات (واقعی و نه خیالی) خویش تکیه کنیم.

مردمی که اندیشه بسته دارند آزادی را نخواهند یافت
بلکه تنها قفس دیگری را تجربه خواهند کرد

تجاوز و شکنجه مدافعان حقوق بشر در ایران؛ تازه ترین2012 /10/12 گزارش احمد شهید، مخبر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران

در گزارش جدید احمد شهید، مخبر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران که روز پنجشنبه منتشر شد، به موارد متعدد و وسیع نقض حقوق بشر در پرداخته شده است .

وی می گوید که این گزارش، تصویری بسیار ناراحت کننده از وضعیت کلی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه می کند.این گزارشگر حقوق بشر و وزیر خارجه سابق مالدیو، در گزارش خود آورده است که فعالان حقوق بشر در ایران با باتوم مورد ضرب قرار می گیرند، اعدامهای قلابی برای آنها ترتیب داده می شود، به آنها تجاوز می شود و حق خوابیدن از آنها سلب می گردد، همچنین آنها تهدید می شوند که اعضای خانواده هایشان مورد تجاوز قرار گرفته یا کشته خواهند شد. او می افزاید در مواردی، فعالان حقوق بشر از چند هفته تا 36 ماه را بدون دسترسی به مشاوره حقوقی، در زندان انفرادی گذرانده اند.

آقای شهید اضافه می کند اکثر کسانی که وی با آنها گفتگو کرده، اظهار داشته اند که طی بازجویی ها، برای اعتراف یا دادن اطلاعات درباره سایر فعالان و سازمان های حقوق بشری، مورد شکنجه شدید بدنی یا آزار روانی از جمله بیخوابی اجباری قرار گرفته اند. طبق گزارش احمد شهید که به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تسلیم شده است، مقامات ایران به آزادی مطبوعات صدمه زده اند و برخی از خبرنگاران را بطور مرتب زیر نظر دارند و تعداد دیگری را ناعادلانه بازداشت و یا تحت تعقیب قضایی قرار داده اند.

وی در این گزارش می نویسد"مقامات، اخیرا رسانه های داخلی را از گزارش تاثیرات تحریم های اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران، منع کرده اند."بر اساس این گزارش، طی شش ماهه نخست سال میلادی جاری، دست کم 223 تن در ایران اعدام شده اند که اکثر این اعدام ها در ارتباط با مواد مخدر بوده و محکومیت شمار زیادی از اعدام شدگان در پی محاکمه ناعادلانه صورت گرفته است.

به نوشته گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل، در سال 2011 میلادی، حدود 670 نفر در ایران اعدام شدند.

احمد شهید همچنان تاکید دارد که دولت ایران به وی اجازه سفر به این کشور را نداده است اما وی در جریان تحقیقاتش با 99 تن مصاحبه کرده که دو سوم آنها تجربه مستقیم داشته اند و بقیه منبع موثق یا شاهد عینی بوده اند.

پنجاه و نهمین قطعنامه محکومیت رژیم تصویب شد

پنجاه و نهمین قطعنامه محکومیت رژیم جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

به گزارش خبرگزاریها، این قطعنامه که توسط کشور کانادا و با حمایت ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارائه شده بود، با 83 رای موافق تصویب شد.

نماینده کشور کانادا هنگام ارائه این قطعنامه، جمهوری اسلامی را بدترین ناقض حقوق بشر در جهان معرفی کرد. برخی کشورها که خود از ناقضین حقوق بشر بشمار می روند نظیر چین، کوبا و روسیه با تصویب قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی مخالفت کردند.

تلاش هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی برای تطمیع برخی کشورها یا فریبکاری برای جلوگیری از تصویب این قطعنامه با شکستی مفتضحانه مواجه شد.

این قطعنامه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بخاطر ارتکاب مستمر جنایات ضدانسانی از جمله اعدامهای دسته جمعی و مخفیانه، اعدام کودکان و نوجوانان، اعدام به اتهام محاربه، سنگسار ومجازاتهای غیرانسانی، قتل زندانیان زیر شکنجه، بازداشتهای خودسرانه، جلوگیری از برگزاری اجتماعات، نقض آزادی عقیده و بیان، سانسور اینترنتی، پارازیت انداختن روی تلویزیونهای ماهواره ای، سرکوب وکلا و روزنامه نگاران، تبعیض علیه زنان، سرکوب اقلیتهای قومی و مذهبی و دخالت خودسرانه در حریم شخصی افراد، بشدت محکوم کرده است.

CONFIDENTIAL

لوموند: "تراژدی ایران ادامه دارد" مردم تغییر رژیم را می خواهند .
"اندیشه موسوی و کروبی حفظ نظام، اندیشه مردم تغییر نظام"

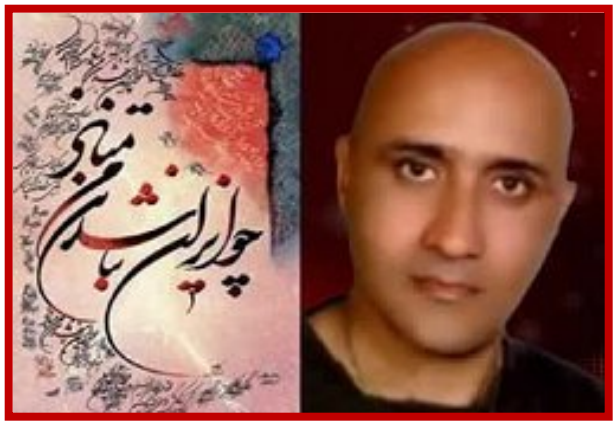

روزنامه فرانسوی لوموند نوشته ای از ستار بهشتی ، وبلاگ نویس جان باخته ایرانی را با عنوان "تراژدی ایران ادامه دارد" منتشر کرده است. لوموند نوشت، این ترجمه یکی از آخرین نوشته های ستار است که به قیمت جانش در سن 35 سالگی تمام شد.

در نوشته ستار بهشتی با عنوان "اندیشه موسوی و کروبی حفظ نظام، اندیشه مردم تغییر نظام" آمده است: این مطلب را مدتی قبل این جانب درج کردم، اما عده ای که فقط حرف خود را ملاک می دانند با نفوذ در وبلاگ این جانب مطلب را حذف کرده بودند. خدمت تمام این عوامل اعلام می دارم اگر صدهزار بار چنین عملی را انجام دهید برای صد هزار و یکمین بار حرف و نوشته خود را انجام خواهم داد و از هیچ حزب و گروه و شخصیتی هراسی ندارم.

.....باز خرداد ماه از راه رسید. و باز خاطرات، بعد از 22 خرداد 88 که تقلبی در آرا مردم صورت گرفت و چه بسیار مردم که به ظاهر برای پس گرفتن رای خود آمدند، ولی امید به تغییر این نظام داشتند! در سال 88 هر چند سخن پس گرفتن آرا بود، ولی اکثریت مردم انتظار تغییر نظام را داشتند، اما آقایان موسوی وکروبی در فکر گرفتن رای خود در چهارچوب نظام بودند! قصد آنان فقط بازشماری آرا بود! آن هم در چهارچوب نظام نه تغییر در اصل نظام. عوامل نظام از اصولگرا تا اصلاح طلب همه در این مدت خواهان پابرجایی نظام بودند. مشکل اصلی بین آقایان جنگ قدرت است! هیچ کدام با اصل نظام مشکلی ندارند بلکه با سیاست نظام مشکل دارند. ....نظامی که باخون بر سرقدرت نشسته با خونریزی حکومت را ترک خواهد کرد. دیکتاتورهای منطقه را ببینید که هرکدام به چه نحو سرنگون شدند. و الان شاگرد جمهوری اسلامی بشار اسد را ببینید که چگونه از استاد خود نظام جمهوری اسلامی راه می آموزد، آیا باز امید به تغییر نظام در چهارچوب آن وجود دارد؟ ....از دوستان خود تقاضا دارم درباره انتخاب شیوه مبارزه و راه آن با دقت عمل کنند 33 سال است که با همین وعده ها درجا مانده ایم، و در باتلاق این نظام فاسد فرو می رویم، هم چون سال 76 و به اسم اصلاحات. بهتر است این بار خود را بیرون بکشیم، و راه آزادی را بیابیم. شما به مشاغل مهمی که بسیاری از همین آقایان در آن بودند نظری بیندازید، بعد خود ببینید با این همه خونی که در این 33 سال بر زمین ریخته شده این آقایان آیا حاضر به تغییر در کلیت نظام می شوند؟ و در آخر اگر مبارزه ما قرار است برای تغییر سیاستهای نظام باشد، فرق نمی کند این نظام دست موسوی یا خامنه ای باشد، چون چهارچوب و قاعده های آن یکی است. هدف ما برای رهایی تغییر در کلیت نظام باید باشد.

باز در آخر مطلبم چون همیشه می گویم زنده و پاینده ایرانی و ایران؛ جانم فدای ایران.

ستار بهشتی

CONFIDENTIAL

دیده‌بان حقوق بشر: عرصه جامعه مدنی در ایران تنگ‌تر شده است

Radiozamaneh

سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد، پس از انتخابات بحث برانگیز سال ۱۳۸۸ عرصه جامعه مدنی در ایران تنگ‌تر و تنگ‌تر شده است .این سازمان با انتشار گزارشی به فشار نیروهای دولتی به فعالان جامعه مدنی پس از انتخابات ریاست جمهوری سه سال و نیم پیش ایران اشاره کرده است.

در این گزارش آمده است، "تظاهرات ضد دولتی و اکثرا آرام مردم را به طرز وحشیانه‌ای سرکوب نمودند، صدها تن از فعالان از ترس آزار و اذیت و بازداشت در وطن، در جست‌وجوی پناهگاهی موقت و آینده‌ای نامعلوم در کشور همسایه، ترکیه و کردستان عراق برآمده‌اند ".

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارش ۶۰ صفحه‌ای خود تحت عنوان "چرا آن‌ها رفتند...: روایت فعالان ایرانی در تبعید" به سرگذشت شماری از مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و وکلا که مورد فشار نیروهای دولتی قرار گرفته‌اند، اشاره کرده است.

جو استورک، معاون رئیس خاورمیانه در سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته است: "سرکوب‌های پس از وقایع ۲۰۰۹ عمیقاً جامعه مدنی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. تصاویری از نیروی پلیس که بی‌رحمانه در حال ضرب‌وشتم تظاهرکنندگان می‌باشد، ممکن است از صفحات تلویزیون‌ها و کامپیوترها محو شده باشد، اما بسیاری از فعالان ایرانی کماکان به تصمیم دردناک خود برای ترک خانه و خانواده‌شان ادامه می‌دهند".

طبق آمار کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در سال ۲۰۰۹، ایرانی‌ها ۱۱ هزار و ۵۳۷ درخواست پناهجویی به ۴۴ کشور تحویل داده‌اند که این تعداد در سال ۲۰۱۰ به ۱۵ هزار و ۱۸۵ و در سال ۲۰۱۱ به ۱۸ هزار و ۱۲۸ مورد افزایش یافته است.به‌دنبال انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ شمار چشمگیری از روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی و سیاسی به دلیل سرکوب نیروهای امنیتی ناچار به ترک کشور شدند و به کشورهای همسایه از جمله ترکیه و کردستان عراق رفتند.

دیده‌بان حقوق بشر در این گزارش نوشته است: "بالاترین میزان درخواست پناهجویی به کشور همسایه، ترکیه تحویل داده شده است که نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ تعداد پناهجویان ایرانی ۷۲ درصد افزایش داشته است".

طبق آمار کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در سال ۲۰۰۹، ایرانی‌ها ۱۱ هزار و ۵۳۷ درخواست پناهجویی به ۴۴ کشور تحویل داده‌اند که این تعداد در سال ۲۰۱۰ به ۱۵ هزار و ۱۸۵ و در سال ۲۰۱۱ به ۱۸ هزار و ۱۲۸ مورد افزایش یافته است .این دسته از پناهجویان در گفت‌وگو با دیده‌بان حقوق بشر به شرایط سخت و زمان طولانی رسیدگی به درخواست پناهجویی خود در طی اقامتشان در ترکیه و کردستان عراق اشاره کرده‌اند.

در گزارش دیده‌بان حقوق بشر، محدودیت آزادی سفر، هزینه‌های سنگین زندگی، عدم دریافت اجازه کار، و عدم دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله مشکلات پناهجویان در ترکیه و کردستان عراق عنوان شده است.

استورک گفته است: "کشورهای منطقه باید پناهندگان ایرانی را محافظت نمایند و با آنان با محبت و احترام رفتار نمایند. کشورهای خارج از این منطقه نیز باید برای اسکان مجدد پناهندگان ایرانی که احتیاج مبرم به ترک منطقه داشته و چاره دیگری جز پناهندگی درازمدت ندارند، سخاوتمندانه فرصت‌هایی را فراهم آورند و سریعاً به درخواست‌های آن‌ها رسیدگی نمایند".

در بخش دیگری از گزارش این سازمان آمده است، دولت ترکیه تاکنون از قبول درخواست احمد شهید، بازرس ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران، به‌منظور بازدید از این کشور به‌عنوان یک مقام رسمی و انجام مصاحبه با پناهجویان و پناهندگان خودداری کرده است .سازمان دیده‌بان حقوق بشر از آنکارا خواسته است فوراً به احمد شهید اجازه دهد به این کشور سفر نماید تا وی بتواند مأموریت خود برای سازمان ملل را انجام دهد .

این سازمان همچنین از حکومت اقلیم کردستان عراق خواسته است، "ایمنی و آسایش پناهندگان ایرانی را فراهم نماید و از تهدید و ایجاد مزاحمت برای افرادی که در طی اقامتشان به‌عنوان پناهنده در کردستان عراق، به فعالیت‌های آرام حقوقی یا سیاسی خویش ادامه می‌دهند، خودداری کند".

خرافه پرستی و نقش آن در بقای حکومت جمهوری اسلامی

ماه محرم بود و سربازهای روسی در تبریز چوبه دار برپا کرده بودند و مشغول دار زدن آزادیخواهان بودند ولی یک مشت آدم لات و لوت و چاقوکش و پامنبری عین خیالشون هم نبود. برای کشتار آزادیخواهان که جلو چشمشون کشته میشدن جشن میگرفتن و برای امام حسینی که هزارسال قبل مرده بود عزا و علم و طبق راه انداخته بودن و سینه میزدن که داد از ظلم یزید .**تاریخ مشروطه احمد کسروی**

این خرافه است که این رژیم جهنمی را زنده میدارد و بر عمرش می افزاید وگرنه این مردم هیچ کمتر مردم دیگر کشورهایی که در خیابانها ریختند و بساط استبداد را در هم کوبیدند نیستند .

این خرافات افیونی است که مردم را قضا و قدری ببار آورده است. وگرنه ملتی که از این غل و زنجیرها رها گردد یک لحظه نمی گذارد که این شیطان صفتان از آنها سواری بگیرند و خونشان را در شیشه کنند .

مردمی که تنها در یک شب 25 هزار نفرشان در زیر درخت چناری که میگویند در روز عاشورا خون گریه میکند جمع میشوند و از تیری که به گردن علی اصغر نشست گریبان میدرند اما در برابر جنایات سربازان گمنام جمهوی اسلامی که در سوریه کودکان شیرخواره را به گلوله می بندند سکوت میکنند . این سنت امسال نیز البته با آمار و ارقام بیشتری ادامه داشت . اما خبرگزاری ها جرات آن را نداشتند که اعلام کنند . در ایران اسلامی مردم چنان تشنه سکس و هجوم به آش های نذری در ماه محرم هستند که انگار چیزی بجز شکم و زیر شکم در این مملکت وجود ندارد .

مردمی که برای 1400 سال پیش قمه و زنجیر میزنند درمقابل کشتن شنیعانه ستار بهشتی ها بدست یزید زمان در ایران سکوت میکنند و برای بدست آوردن یک کاسه حلیم از سر و کول بالا میروند تا این آش نذری دردهایشان را شفا یا آرزوهایشان را بر آورده کند .

ابراهیم بیاتی معاون اطلاعات سپاه « فجر » استان فارس سال گذشته در خبری که پس از ساعتی از خبرگزاری فارس حذف شد گفته بود : « تحقیقات ارتش سایبری سپاه پاسداران نشان میدهد کاربران اینترنت در تهران در روز عاشورا از نظر مراجعه به سایت های غیر اخلاقی در میان 183 کشور در جهان در رتبه نخست قرار گرفته اند » .

برگرفته از وبلاگ میلاد و برای درج در نشریه بازخوانی و خلاصه شده است

CONFIDENTIAL

برگذاری مراسم بزرگداشت زندانیان سیاسی در هیوستون تگزاس

بدنبال فراخوان شاهزاده رضا پهلوی جهت برگذاری مراسمی یکپارچه در کشورهای مختلف جهان برای بزرگداشت زندانیان سیاسی دربند حکومت ایران ، سازمان سیاسی ایر ان پاد درهیوستون نیزدر روز شنبه 15 دسامبر 2012 مراسمی را در سالن کلیسای سکند باپتیست هیوستون برگذار نمود که با استقبال عده زیادی از هموطنان ایراندوست و آزادیخواه روبرو شد. در این مراسم اقشار و گروههای مختلف سیاسی و مذهبی پس از سخنرانی دبیر سازمان و تنی چند از مدعوین به نماینده گی ازجامعه بهائی ، مسلمان و مسیحی اقدام به خواندن سرود ای ایران و روشن نمودن شمع ، در مقابل پرچم شیر خورشید نشان ایران نمودند (فیلم و عکس مراسم در وب سایت سازمان دردسترس عموم میباشد)

In memories of those who have given the ultimate sacrifice for Social Justice, Democracy and Freedom by suffering the imprisonment in IRAN we are standing united to honor their memories in a candle light vigil

Your presence will be greatly appreciated

Time:	Saturday Dec.15 From:6 to 8 PM
Place:	Second Baptist Church < HanKamer Chapel > 6400 Woodway Dr. and Voss, Houston 77057

شعری از شاعرآزادیخواه دربند مصطفی بادکوبه ای

وقتي تو مي گويي وطن من خاک بر سر مي کنم
گويي شکست شير را از موش باور ميکنم

وقتي تو مي گويي وطن يکباره خشکم مي زند
اين ديده ي مبهوت را با خون دل تَر مي کنم

وقتي تو ميگويي وطن بر خويش مي لرزد قلم
من نيز، رقص مرگ را با او به دفتر مي کنم

بي کوروش و بي تهمتن با ما چه گويي از وطن
با تخت جمشيد کهن من عمر را سر می‌کنم

خون اوستا در رگ فرهنگ ایران می‌دود
من گادهای عشق را مستانه از بر می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن شهنامه پر پر میشود
من گریه بر فردوسی آن پیر سخنور می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن بوی فلسطین میدهی
من کی نژاد عشق با تازی برابر می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن از چفیه ات خون میچکد
من یاد قتل نفس با الله اکبر می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن خون است و خشم و خودکشی
من یادی ازحمام خون در تل الزعتر می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن، قدُس است و شامات و حجاز
من همدلی کی با چنین نادان برادر میکنم

تاریخ ایران تو را شمشیر تازی می‌سزد
من با عدالتجوئیم یادی ز حیدر می‌کنم

ایران تو یعنی لباس تیره عباسیان
من رنگ روشن بر تن گلگون کشور می‌کنم

ایران تو با نام دین، زن را به زندان میکشد
من تاج را تقدیم آن بانوی برتر می‌کنم

ایران تو شهر قصاص و سنگسار و دارهاست
من کیش مهر و عفو را تقدیم داور می‌کنم

ایران تو می‌ترسد از بانگ نوای و نای و نی
من با سرود عاشقی آن را معطر می‌کنم

وقتی تو میگویی وطن یعنی دیار یاس و غم
من کی گُل "امید" را نشکفته پر پر می‌کنم

CONFIDENTIAL

بازی جدید دلال نایاک دکتر هوشنگ امیراحمدی :

نامزدی در انتخابات سال آینده ریاست جمهوری اسلامی

دکتر هوشنگ امیراحمدی : برای مبارزات انتخابات1392 کمپین و تیم تشکیل داده ام

پروفسور امیراحمدی در تماس رادیو کوچه این خبر را تایید کرد و از حضور خود در انتخابات ریاست جمهوری آتی در ایران که سال 1392 برگزار خواهد شد دفاع کرد.

هوشنگ امیراحمدی رئیس مجموعه‌ای موسوم به شورای ایرانیان و آمریکاییان در پرینستن نیوجرسی آمریکا است. بسیاری معتقدند در چند سال گذشته او واسطه گفت‌وگوهایی بین جمهوری اسلامی و آمریکا بوده است. نکته‌ای که خود وی در گفت‌وگویش با رادیو کوچه آن را انکار نمی‌کند.

همچنین وی با توجه به برخی شایعه‌ها در مورد رابطه نزدیک وی با «اسفندیار رحیم‌مشایی» و «محمود احمدی‌نژاد» تاکید می‌کند که این رابطه مانند رابطه با تمامی رئیس‌های جمهوری اسلامی قبل بوده و چه بسا کمتر است ولی رئیس دولت دهم در نیویورک به او کمک کرده است تا به ایران باز گردد و این نکته را وی پنهان نمی‌داند.

«امیراحمدی» در بخشی از گفتگوی خود با رادیو کوچه در پاسخ به این که "خبری روز جمعه در وب سایت‌ها منتشر شده بود مبنی بر شروع کمپین انتخاباتی شما، آیا این خبر را تایید می‌کنید؟" گفت: بله من خبر را تایید می‌کنم، من به طور رسمی مبارزه انتخاباتی را برای سال 1392 شروع کردم و الان روی آن با (تیمی) کار می‌کنیم. البته عرض کنم که این کار را چند روز پیش نکردم، من ماه اوت گذشته ایران بودم و آنجا در جاهای مختلف اعلام کردم و عملا آنجا اعلام کردم که من کاندیدا می‌شوم و شروع کاندیداتوری شدنم را از طالش اعلام کردم.

کاریکاتوربرگرفته از وبلاگ بادبان

CONFIDENTIAL

Prière de voir la pièce jointe SVP

Association

FARHANG-E IRAN

Paris
28ème année
N° 200

Shojaedin SHAFA

Panorama des cimes
d'une vie culturelle

Conférence de

Daryoush SHAFA

Vendredi 11 janvier 2013

Accueil : 17h30/ Début 18h00/ Fin : 19h45

« Conférence en persan »

Adresse : **Centre André MALRAUX**
112, rue de Rennes
75006 Paris
Métro : Rennes ou Saint Placide

Participation **: Membre : 2€, Invité : 4 €, Etudiant : gratuit**

انجمن

فرهنگ ایران

پاریس
سال بیست و هشتم
برنامه شماره ۲۰۰

شجاع الدین شفا

چشم انداز
چکاد های زندگی

سخنران

داریوش شفا

آدینه ۲۲ دیماه ۱۳۹۱ / ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳

گشایش تالار: ۱۷/۳۰؛ آغاز برنامه: ۱۸/۰۰؛ پایان ۱۹/٤٥

"سخنرانی به فارسی"

Association FARHANG-E IRAN - Loi 1901
anjomanfarhangeiran@gmail.com

همیاری: هموند: ۲ یورو؛ میهمان: ٤ یورو؛ دانشجو : رایگان

یادی ازحماسه 21 آذر1325 روز نجات آذربایجان ونقشه استالین برای الحاق آذربایجان به شوروی براساس اسناد تاریخی بدست آمده آن دوران

روز 21 آذر براي مـردم آذربايجان داراي دو مفهوم و خاطره‌ي متفاوتي است. 21 آذر سال 1324 روز جدا شدن آذربايجان از پيكر ايـران، و 21 آذر سال 1225 روز نجات و برگشت آذربايجان به دامن مام وطن.

بیست و یکم آذر روز نجات آذربایجان

اگر دستان مرا قطع کنند سند جدائي آذربايجان را امضاءنخواهم کرد

تنها ۱۰ روز پس از پایان جنگ جهانی دوم (اردیبهشت ۱۳۲۴) دولت ایران طی یادداشتی پیروزی متفقین را به سه کشورآمریکا، شوروی و انگلیس تبریك گفت و یادآوری کرد که پس از پایان جنگ در اروپا، دیگر لزومی به باقی ماندن نیروهای متفقین درایران نیست و بهتر است نیروهای متفقین هرچه زودتر خاك ایران را ترك کنند. هرچند این یادداشت بی پاسخ ماند اما در کنفرانس پوتسدام در تیرماه ۱۳۲۴، استالین، ترومن و چرچیل در اعلامیه نهایی موافقت کردند که قوای متفقین بلافاصله تهران را تخلیه کنند و در کنفرانس وزرای خارجه سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس

براساس يك پيمان سه جانبه قرار شد تا ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ نيروهای متفقين خاك ايران را ترك كنند. اما هنوز يك روز از صدور اين پيمان نگذشته بود كه شبه نظاميان مسلح با رهبری فردی به نام سيدجعفرپيشه وری و با پشتيبانی ارتش سرخ، كليه مراكز دولتی و پاسگاههای ژاندارمری را در شهرهای آذربايجان اشغال و فرقه دموكرات آذربايجان را ايجاد كردند.

در21 آذرسال ۱۳۲۴ فرقه دمكرات آذربايجان حكومت مستقل آذربايجان را در منطقه جغرافيايی ۴ استان فعلی كشور (آذربايجان شرقی ، آذربايجان غربی ، اردبيل و زنجان) تشكيل داد تبريز را پايتخت و تركی را زبان رسمی اعلام نمود .يک سال بعد در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ اين حكومت با ديپلماسی زيركانه قوام با حمله نيروهای ارتش مركزی ايران به فرماندهی نظامی زنده ياد شاهنشاه آريامهر به آذربايجان شكست خورد وبا حمايت مردم آذربايجان ارتش پيروزمندانه وارد تبريز شد وخطراين فتنه اتحاد شوروی از پيكر ايران كهن دفع شد . چند ماه بعد رهبر اين حكومت در يک سانحه رانندگی در اطراف باكو واقع در شوروی سابق كشته شد

.سيد جعفر پيشه وری رهبر
فرقه دمكرات آذربايجان

موضوع جداسازي آذربايجان سابقه‌اي طولاني دارد، چون در سنوات اخير موضوع جدايي آذربايجان از ايران مورد ادعاي گروهك‌هاي [وابسته تجزيه‌طلب] و متقابلا مورد مخالفت اكثريت مردم آذربايجان و ساير هم‌وطنان ايراني قرار گرفته، به جهت اطلاع نسل جوان كه احتمالا از سوابق تاريخي اين موضوع ممكن است بي‌اطلاع باشند لازم دانستم كه مختصر اشاره‌اي به سابقه امر بكنم:

منطقه‌ي آذربايجان به علت داشتن وسعت خاك و آبادي و شرايط اقليمي و سوق الجيشي از قرن‌ها قبل هميشه مورد نظر [و طمع] امپراتوري روسيه‌ي تزاري و امپراتوري عثماني بوده و در تعقيب هدف تصرف و توسعه‌ي ارضي، منطقه‌ي آذربايجان بارها مورد تهاجم و تصرف اين دو همسايه‌ي متجاوز قرار گرفته [است].

روسيه‌ي تزاري طي چندين سال جنگ بالاخره بر طبق دو قرارداد تحميلي (گلستان به تاريخ دوم آبان ماه سال 1192 خورشيدي برابر با 24 اكتبر سال 1813 ميلادي و تركمن‌چاي به تاريخ اول اسفند سال 1206 خورشيدي برابر با 21 فوريه سال 1828 ميلادي) دولت ايران مجبور به پرداخت غرامت جنگي و دادن امتيازات نظامي و سياسي و اقتصادي

و محدوديت ايران در تملك بحر خزر، و از دست دادن بخش بزرگي از خاك ايران به نام اران (جمهوري آذربايجان امروز) با 17 منطقه (ايالات، ولايات و خانات) به شرح زير گرديد:

قره‌باغ، گنجه، شكي، شيروان، قبه، دربند، بادكوبه، گوگچاي، ايروان، نخجوان، آغداش، تفليس، گروسي، بولاخ، لنگران، ساليان، اردوباد، (علاوه بر منطقه اران، تمام داغستان و گرجستان و قسمتي از مغان و آستارا و تالش).

CONFIDENTIAL

امپراتوري عثماني به لحاظ رقابت بـا روسيه‌ي تزاري بر سر تملك آذربايجان و به طور كلي درگيري بـا روسيه و ساير كشورهاي مسيحي اروپا، قبل از شروع جنگ اول جهاني در صدد توسعه نفوذ و قدرت خود برآمد، به همين منظور اقدام به ترويج دو مرام يا ايدئولوژي نمود:

الف) پان تركيسم يا پان تورانيسم براي اتحاد كشورهاي ترك و ترك‌زبان

ب) پان اسلاميسم براي اتحاد كشورهاي مسلمان و عرب

بـا شروع جنگ اول جهاني دو امپراتوري روسيه و عثماني كه جزء طرفين جنگ بودند، بـا وجود اعلام بي‌طرفي ايـران، جنگ را به داخل خاك ايـران و منطقه‌ي آذربايجان كشاندند و در طول مدت جنگ، چندين بار آذربايجان بين قواي روسيه و عثماني دست به دست گشت و صدمات و خسارات مالي و جاني زيادي به مـردم آذربايجان وارد آمد.

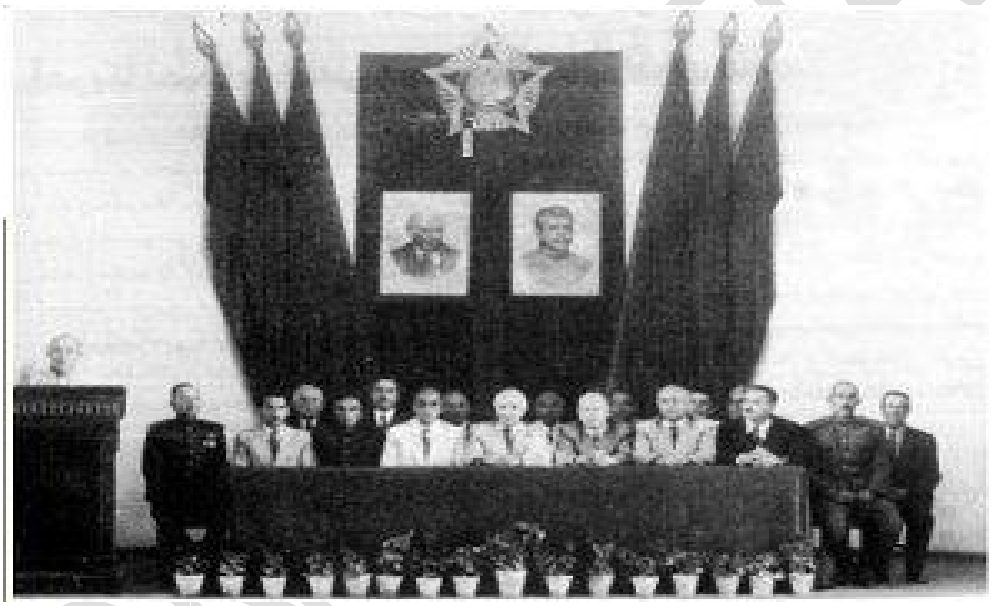

این عکس یکی از مشهورترین تصاویر بر جای مانده از کابینه فرقه دموکرات آذربایجان به نخست وزیری سید جعفر پیشه وری است ...پیکره خود روشنگر و گویاست و ماهیت واقعی آن جریان را نشان می دهد...پیشه وری در میان تصویر و دیگر کادر های کابینه در کنار و البته پرچم اتحاد جماهیر شوروی و تصاویر لنین و استالین در بالای کابینه !!

در سال 1918 ميلادي كه ارتش عثماني در آذربايجان بود، دولت عثماني به جهت توسعه قدرت خود و جلب حمايت مـردم آذربايجان شروع به تبليغ شديد و طرح‌ريزي اجراي مرام پان تركيسم و جدا كردن آذربايجان از ايـران و الحاق آن به خاك كشور خود كرد. بدبختانه حكومت مركزي ايـران به قدري ضعيف و ناتوان بود كه قادر به حفظ امنيت و نگهداري پايتخت نبود، چه برسد كه بتواند آذربايجان را در مقابل مطامع و دسايس بيگانگان حفظ بكند، اين تنها مـردم آذربايجان بودند كه در مقابل نظر و هدف دولت عثماني و اجراي طرح پان‌تركيسم مخالفت شديد خود را در مورد تجزيه آذربايجان نشان دادند. در آن موقع شيخ محمد خيابانـي و يارانش از قبيل نوبري و اميرخيزي يك گروه سياسي را تشكيل داده و در راه حفظ استقلال ايـران فعاليت مي‌كردند. اين

گروه بـا ايراد سخنراني و نشر روزنامه، مـردم را از مقاصد شوم تركهاي عثماني مطلع كرده و براي مقابله بـا تجزيهي آذربايجان از ايـران، مـردم را دعوت به مبارزه ميكردند. به همين جهت دولت عثماني شيخ محمد خياباني را دستگير و مدت يك سال به قارص تبعيد كرد. به هر حال در مقابل ايستادگي مـردم و همچنين شكست امپراتوري عثماني در جنگ جهاني اول، طرح پان تركيسم و تجزيهي آذربايجان بينتيجه ماند.

بـا وجود اين كه بعد از جنگ اول جهاني دو امپراتوري روسيه و عثماني از بين رفتند و دو دولت اتحاد جماهير شوروي و جمهوري تركيه به جاي آنها بوجود آمد. ولي متاسفانه اين دو دولت نيز همچنان فكر و سياست اسلاف خود رادر مورد تصرف آذربايجان در سر داشتند.

آذربايجان

بويوك، ئولكهنين، بويوك رهبرينين بويوك نطقي

بـا روي كارآمدن زنده يادرضاشاه كبيرو ايجاد ثبات و تحكيم در ايـران، چندين سال اسم و موضوعي به نام جدا شدن آذربايجان از ايـران وجود نداشت. بدبختانه بـا شروع جنگ دوم جهاني و اشغال ايـران از طرف قواي متفقين، اين بار ارتش شوروي منطقهي آذربايجان را متصرف شد و بـا تشكيل حزب توده در ايـران و تبليغ مرام كمونيستي، در جهت تجزيهي آذربايجان اقدام به تشكيل «فرقهي دموكرات آذربايجان» كرد. در تـاريخ 21 آذر سال 1324 خورشيدي بـا خلع سلاح و تسليم ارتش ايـران، اقدام به تشكيل حكومت خود مختار آذربايجان، در راستاي الحاق آن به جمهوري آذربايجان شوروي نمود. در تشكيل اين حكومت اكثريت قريب به اتفاق مـردم آذربايجان كوچكترين دخالتي نداشتند. اين فقط قدرت دولت و ارتش اتحاد جماهير شوروي بود كه توانست به دست تعدادي از افراد فريب خورده و يا خود فروخته و همچنين عدهاي از افراد ستون پنجم خود به نام مهاجرين قفقازي يك حكومت پوشالي و غير مردمي و غير ايراني را به وجود آورد. ولي خوشبختانه و بـا مساعد شدن اوضاع سياسي بـا حركت نيروي نظامي ايـران به سمت آذربايجان، مـردم خطهي آذربايجان قيام كرده و بـا در دست گرفتن اسلحه در تـاريخ 21 آذر 1325 خورشيدي حكومت دموكرات آذربايجان را از پا درآوردند.

بعد از سال 1325 تـا فروپاشي اتحاد جماهير شوروي به لحاظ اوضاع سياسي جهان تقريبا از موضوع تجزيه‌ي آذربايجان خبري نبود. بـا فروپاشي دولت كمونيستي شوروي و آزاد شدن كشورهاي مستعمره شده از طرف شوروي از جمله جمهوري آذربايجان، تركيه موقعيت را براي بسط نفوذ خود در كشورهاي ترك و ترك‌زبان آسياي ميانه مخصوصا در جمهوري آذربايجان (اران سابق) مناسب ديد. بـا وجود اين كه خود تركيه از لحاظ اقتصادي و اجتماعي و سياسي با هزاران گرفتاري و مشكلات دست به گريبان بود، ولي بـا صرف مبالغ زياد و ايجاد مراكز صنعتي و اقتصادي و اعزام مستشاران مالي و نظامي، به اصطلاح جاي پايي براي خود تدارك مي‌ديد و در به قدرت رسانيدن يك فرد صددرصد معتقد به مرام پان تركيسم به نام ابوالفضل ايلچي بيگ نقش عمده‌اي را به عهده گرفت. ايلچي بيگ به تحريك پان‌توركيست‌هاي تركيه ادعاي يكي بودن و يكي شدن دو آذربايجان را كرد و به شدت شروع به تبليغ نمود و عده‌اي را به نام آذربايجاني‌هاي جدايي خواه و استقلال طلب در اروپا و آمريكا و كانادا به راه انداخت.

به طور قطع نقشه‌ي تسلط بر منطقه و به دست گرفتن بازار اقتصادي، مخصوصا استيلا بر منابع عظيم نفت قبلا از طرف دول غرب طرح‌ريزي شده بود و گرنه تركيه به تنهايي توان چنين ادعاهايي را نداشت. غرب بـا به راه انداختن نيمچه كودتاي ساختگي، ايلچي بيگ را بركنار و يك چهره بسيار موثر و بـا تواني به نام حيدر علي اوف را به جاي او گماشت، حيدر علي‌اوف به عنوان يك كمونيست شناخته شده بـا داشتن سوابق عضويت در دفتر سياسي حزب كمونيست (پوليت بورو) و عضويت در سازمان جاسوسي و ضد جاسوسي (كا.گ.ب) و معاونت نخست وزير كه در به زنجير اسارت كشيدن و كشتارهاي دسته جمعي ملت‌ها نقش بسزايي داشته به عنوان رييس جمهور آذربايجان در جهت برآوردن خواسته‌ها و حفظ منافع غرب، زمام امور را به دست گرفت.

طي چندين سال گذشته عده‌اي مزدور از طرف پان‌تركيست‌هاي تركيه و جمهوري آذربايجان در اروپا و آمريكا و كانادا راه افتاده و بـا برگزاري سمينارها و كنگره‌ها و نشر مقالات و كتاب‌ها و مصاحبه‌هاي راديويي و تلويزيوني ادعا مي‌كنند كه آذربايجاني ترك نژاد و ترك زبان است و بـا ايـران و ايراني هيچ‌گونه وابستگي ندارد. حكومت ايـران به زور و به جبر آذربايجان را تصرف كرده و در حق ملت آذربايجان همه نوع ظلم و ستم و اجحاف را روا داشته، بنابراين ملت آذربايجان خواهان استقلال و جدا شدن از ايـران و پيوستن به خواهران و برادران آن سوي مرز [رود ارس] است !!

به شهادت تـاريخ در تمام دوران گذشته چنين حركت‌هايي هميشه از طرف بيگانگان در جهت منافع خودشان ايجاد و حمايت شده، به عبارت ديگر موضوع تجزيه و جدا شدن آذربايجان از ايـران ريشه در خارج داشته و هيچ‌وقت حتا اقليتي از مـردم آذربايجان خواهان چنين موضوعي نبوده و نيستند كه نمونه بارز آن قيام مـردم آذربايجان در 21 آذر سال 1325 بود كه هنوز عده‌ي زيادي هستند كه شاهد آن حوادث و روزها بودند.

در مورد طرح تجزيه‌ي آذربايجان و دخالت و عامليت حزب توده و پيشه‌وري، نوشته افرادي چون دكتر جهانشاه‌لو افشار (معاون اول پيشه‌وري) و دكتر عنايت‌الله رضا و عده‌اي از افراد بـا وجدان و بـا شرف ديگر كه پي به دسيسه و نيرنگ بيگانگان برده و از راهي كه به اشتباه در پيش گرفته بودند برگشته و بـا افشاگري، حقايق را بـا مـردم در ميان گذاشتند. و يا اعتراف و نوشته خيلي از سران حزب توده كه صريحا به آلت دست دولت شوروي بودن وخيانت خود اعتراف كرده‌اند، مدارك مستند و شواهد گوياي است !!

ولي متاسفانه امروز هم مي‌بينيم كه عده‌اي انگشت شمار در جهت حفظ منافع و اهداف بيگانگان در جهت تجزيه‌ي آذربايجان فعاليت مي‌كنند و بـا كمال وقاحت روز 21 آذر 1324 را روز قيام مـردم آذربايجان براي كسب استقلال و پيشه‌وري را به عنوان

CONFIDENTIAL

قهرمان و خادم ملت ايـران قلمداد مي‌كند. به اين افراد بايد گفت آذربايجاني در چهارچوب تماميت ارضي ايـران ولو در تحت بدترين شرايط هم قرار بگيرد چون خود را ايراني و ايـران را از آن خود مي‌داند، بنابراين به هيچ‌وجه حاضر به قبول سلطه‌ي تركيه و يا جمهوري آذربايجان نيست.

در حالی که با انتشار اسناد مهمی که در کنفرانس «طرح تاریخ بین المللی جنگ سرد» در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است کاملاً روشن شد که پیشه وری با فرمان مستقیم استالین فرقه دموکرات آذربایجان را با هدف جدایی طلبی ایجاد کرده است.
البته باید توجه داشت تبلیغات و تحلیل هایی که از سوی بازماندگان و هواداران این فرقه تا قبل از فروپاشی شوروی صورت می گرفت به گونه ای بود که پیشه وری هیچ گاه در فکر جداکردن آذربایجان از ایران نبوده است اما نکته مهم دراینجاست که پس از فروپاشی شوروی و خصوصاً در سالهای اخیر بازماندگان فکری این جریان به همراه دستهای مشکوك،تبلیغاتی را در يك فرايند جدید و هدف دار و از جنس اهداف واقعی پیشه وری سامان داده اند که ضرورت توجه رسانه ها به این مهم را آشکار می سازد.
به هرحال اسناد منتشرشده از سوی «مرکز بین المللی وودرویلسون» که طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۰ در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است ، هدف استالین را از تشکیل این فرقه جداسازی آذربایجان وشمال ایران و منضم کردن آن به خاك شوروی تصویر کرده است. این اسنادمهم که به وسیله محقق گرانقدر آقای کاوه بیات ترجمه شده، این وابستگی و توطئه برنامه ریزی شده را به وضوح آشکار می سازد.
کاوه بیات درمقدمه گزارش خود چنین نوشته:
«از جمله [اسناد منتشرشده در کنفرانس«طرح تاریخ بین المللی جنگ سرد »] سه سند مهم درباره جوانب علمی تر برنامه شوروی در قبال نفت شمال ایران که زمینه ساز بروز بحران آذربایجان بود و دستورالعمل هایی ریز ودقیق درباره کم و کیف تأسیس و سازماندهی فرقه دموکرات آذربایجان که از لحاظ آشنایی با ماهیت فرمایشی خاستگاه تصنعی فرقه، اسناد مهم و در خور توجهی به شمار می آیند.» این اسناد به طور کامل به همراه گزارش کنفرانس «طرح تاریخ بین المللی جنگ سرد» در فصلنامه شماره۴۰ گفت وگو به چاپ رسیده است که به چکیده ای از این اسناد اشاره می شود:

سند شماره۱
فرمان کمیته دفاع دولتی [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی] که در مورد اقدامات اکتشافی زمین شناسی برای نفت در شمال ایران است. این فرمان از سوی استالین در ۳۱ خرداد ۱۳۲۴ یعنی پس از پایان جنگ زمانی صادر شده است که شوروی نه تنها تصمیم به تخلیه شمال ایران را نداشته، بلکه در حال برنامه ریزی برای ماندن در شمال ایران بوده است. این فرمان نواحی شاهی، بابلسر، بندر پهلوی، گرگان، آمل، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل، مازندران، رشت و کلاً کرانه های دریای خزر و مرزهای شوروی را دربرمی گرفته است.
استالین براساس این سند، «رفیق نیولنف» را موظف می کند که «فضای اداری و اقامتی لازم را در قزوین و مناطق عملیاتی در اختیار واحد هیدرولوژيك قرار دهد.» در این دستورالعمل حتی تعداد تراکتورها، خودروهای سبك و سنگین، تانکرها و... برای اجرای عملیات مشخص شده است.

در آخرین بند این فرمان آمده است: «دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان رفیق باقروف [رئیس جمهور وقت آذربایجان شوروی] را از هرگونه کمك و همراهی... در شمال ایران مسؤول بدانید.»
دولت ایران طی یادداشت دیگری در ۲۳شهریور ۱۳۲۴ بار دیگر تقاضای خود را در مورد تخلیه قشون خارجی به متفقین تکرار کرد. در کنفرانس وزیران خارجه سه دولت بزرگ که چند روز بعد در لندن برگزار شد، طبق پیمانی سه جانبه، موافقت کردند که تا ۱۲ اسفند همان سال ایران را تخلیه کنند. البته دولتهای آمریکا و انگلیس به این پیمان عمل کردند اما استالین که در تیرماه همان سال فرمان تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را خطاب به میرجعفر باقروف صادر کرده بود، عمل به این پیمان سه جانبه را ضروری نمی دید. این فرمان در سند شماره ۲ آمده است.

سند شماره۲

در سند شماره دو که از سوی دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی صادر شده و مهر فوق محرمانه دارد چنین آمده است:
«فرمان دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادیه شوروی به میر (جعفر) باقروف، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد «اقداماتی جهت سازماندهی یك جنبش جدایی طلب در آذربایجان و دیگر ایالات شمالی ایران » ۶ژوییه /۱۵ تیرماه۱۳۲۴» .
«... رفیق باقروف... یك حزب دموکراتیك در آذربایجان جنوبی به نام «حزب دموکراتیك آذربایجان» [مشهور به فرقه دموکرات آذربایجان] با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید. تأسیس این حزب در آذربایجان جنوبی باید با یك تجدید سازمان توأمان، بخش جدایی طلب از تمامی اقشار مردم ایران صورت گیرد.
...در میان کردهای ساکن شمال ایران، برای جذب آنها در یك جنبش جدایی طلب که یك ناحیه خودمختار ملی کرد را تشکیل دهد، اقدامات مناسب صورت دهید.
یك گروه از فعالان مسؤول را در تبریز که به هماهنگی فعالیت هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی در تبریز موظف باشند، برای هدایت جنبش جدایی طلب تشکیل دهید. سرپرستی این گروه به باقروف و یعقوب اف واگذار می شود.»در این فرمان، واگذاری اراضی به دهقانان ـ تأسیس گروههای رزمی مسلح جهت اهالی هوادار شوروی ـ تأسیس انجمن دوستان آذربایجان شوروی ـ انتشار یك نشریه مصور در باکو برای توزیع در ایران و سه روزنامه در آذربایجان جنوبی، تهیه سه دستگاه چاپ و تأمین کاغذ خوب جهت انتشار سه روزنامه با تیراژ حداقل ۳۰هزارنسخه ـ تأمین یك میلیون روبل ارز خارجی برای تبدیل به تومان و... مورد تأکید قرار گرفته است.
سند شماره۳

سند شماره سه که ۸روز بعد از سند دوم صادر شده دستورالعمل های کاملاً محرمانه شوروی در مورد اقداماتی است که باید جهت اجرای مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود.

در این سند کاملاً محرمانه که با موضوع تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان صادر شده چنین آمده است:

«وسایل سفر» پیشه وری و «کامبخش» به باکو برای مذاکره فوری سازماندهی شود... برای تأسیس کمیته های مؤسس در مرکز (تبریز) و دیگر نقاط در عرض یك ماه کاندیداهایی را از میان عناصر واقعی دموکرات از میان روشنفکران، تجار طبقه متوسط، زمینداران کوچك و متوسط و روحانیون، احزاب دموکراتیك مختلف و همچنین از میان غیرحزبی ها انتخاب کرده و به کمیته های مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان وارد کنید... پس از استقرار کمیته های مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز، تأسیس کمیته های محلی فرقه دموکرات آذربایجان، در شهرهای ذیل از اولویت های نخست خواهد بود: اردبیل، رضاییه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، بندرشاهی، گرگان و مشهد. برای سازماندهی کمیته های این شهر نمایندگانی را از کمیته مؤسس و مرکزی اعزام دارید.

CONFIDENTIAL

در سند شماره۳ برای سازماندهی جنبش جدایی طلب چنین آمده است:

«برای شکل دادن به یك جنبش جدایی طلب در جهت تأسیس یك منطقه خودمختار آذربایجانی و یك منطقه خودمختار کرد با اختیارات گسترده اقدام شود» در این سند دستوراتی جهت تشکیل انجمن ها و سازماندهی ارگانهای مطبوعاتی و انتشار روزنامه و ایجاد چاپخانه در شهرهای رشت، رضاییه و مهاباد صادر شده است.این سندها به وضوح نیت پیشه وری و فرقه دموکرات آذربایجان در آن برهه زمانی را نسبت به تمامیت ارضی ایران آشکار می سازد. اما این پایان کار نیست زیرا هم اکنون جریانهای خاصی چه در داخل و چه در خارج از کشور اهدافی را دنبال می کنند که پیشه وری بر آن تأکید داشت. هواداران پیشه وری امروز با برگزاری جلسات، انتشار نشریه و فعالیت در سایت های اینترنتی متعدد در تبلیغ این فرآیند تلاش می کنند و شبکه الجزیره نیز به آن دامن می زند. اما متأسفانه واکنش سیاسی، فرهنگی و امنیتی مناسبی در این مورد صورت نمی گیرد در این شرایط حساس جهانی ومنطقه ای لازم است به اقداماتی اندیشید که در سایه آن ایران دارای تکثر قومی و فرهنگی،از چنین تحرکات جدایی طلبانه دچار آسیب و زیان نشود. لذا با توجه به شرایط حساس کنونی، توجه ویژه کارشناسی و دلسوزانه به وحدت ملی ایران و آگاهی و بیداری ملی، از ضرورتهای اجتناب ناپذیر است که کوتاهی در انجام این مهم می تواند زیانهای غیرقابل جبرانی را برای سرزمین کهن ایران به دنبال داشته باشد.

بر گرفته ازاسماعیل آزادی

(بر گرفته از از پایگاه آذرپادگان. احتمالا خود این سایت نیز آن را از منبع دیگري به دست آورده، که متأسفانه نامي از آن نبرده است)

CONFIDENTIAL

روزنامه اتریشی: یکصد جاسوس رژیم تهران در وین

روزنامه اتریشی "دی پرسه" گزارش می‌دهد که وین از جاسوسان جمهوری اسلامی پر شده است. برخی از این جاسوسان ایرانی و بخشی از آن‌ها عراقی هستند. کنگره آمریکا قبلا تعداد جاسوسان رژیم تهران در اتریش را حدود ۱۰۰ نفر اعلام کرده بود. به گزارش رادیو آلمان، گزارش ۶۴ صفحه‌ای کتابخانه تحقیقاتی کنگره آمریکا در آخرین ماه سال ۲۰۱۲ انتشار یافت. بخش کوچکی از این گزارش به بررسی فعالیت‌های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت. در این بخش آمده بود: «وین... ظاهرا از جاسوسان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران پر شده است. این ثمره روابط خوب اتریش و ایران از زمان انقلاب است.»

سکوت وزارت کشور اتریش

روزنامه دی‌پرسه می‌نویسد: «وزارت کشور اتریش حاضر به اعلام موضع در مورد حضور جاسوسان ایرانی نیست و به گزارش سال ۲۰۱۲ نهاد حفاظت از قانون اساسی استناد می‌کند.» در گزارش نهاد حفاظت از قانون اساسی اتریش، بدون ذکر نام از کشوری خاص آمده است: «اتریش به‌خاطر تاریخ، موقعیت، بی‌طرفی و استقرار نهادهای بین‌المللی متعدد، یکی از مهمترین محل‌های تلاقی سرویس‌های مخفی جهان است.» روزنامه اتریشی در ادامه گزارش خود می‌نویسد: «کارشناسان امنیتی حدس می‌زنند که در اتریش بیش از ۱۰۰ نفر برای سرویس‌مخفی ایران کار می‌کنند یا با آن همکاری دارند. وظیفه آن‌ها، برخلاف آنچه در گزارش کنگره آمریکا می‌توان خواند، تنها زیرنظر گرفتن مخالفان تبعیدی یا اعمال فشار بر آن‌ها نیست. بلکه مدارکی به‌دست آمده که آن‌ها در زمینه دور زدن تحریم‌ها و پول‌شوئی هم فعال هستند.» براساس اطلاعاتی که دی‌پرسه کسب کرده، غرب در عین‌حال عراقی‌هایی را نیز تحت‌نظر دارد که برای عملیات مختلف به رژیم تهران کمک می‌کنند. این روزنامه می‌نویسد که جمهوری اسلامی در عراق که از زمان دخالت نظامی آمریکا در ده سال پیش به وسیله اکثریت شیعه اداره می‌شود، نفوذ زیادی کسب کرده است.

اعتراف محافل رسمی به تشدید فشارها

اکنون حتی نمایندگان حکومت به تشدید فشارهای اقتصادی اعتراف می‌کنند. غلامرضا مصباحی مقدم رئیس کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی به‌تازگی گفته که صادرات نفت ایران به زیر یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. کسری بودجه دولت نیز در سال ۱۳۹۱ به گفته مصباحی ۶۰ میلیارد دلار بوده است.

برپایه گزارش وال‌استریت جورنال، اکنون ایران در برابر نفت خود از هند گندم و چای، از اوروگوئه برنج و از پاکستان گوشت و میوه دریافت می‌کند. این روزنامه پس از اشاره به اعتصاب بازاریان تهران در پائیز سال گذشته می‌افزاید که دولت ایران در سال ۲۰۱۱ میلیاردها دلار یارانه انرژی را قطع کرد و این امر سبب افزایش شدید نرخ بنزین، برق و آب شد.دولت قرار بود ۳۰ درصد یارانه‌های قطع شده را که به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال می‌رسید، برای جبران افزایش هزینه‌ها در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. اما این کمک هرگز پرداخت نشد.تاثیر تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲ سبب شد که نرخ قطعات یدکی و مواد مورد نیاز شرکت‌های تولیدی ایرانی به شدت بالا برود. در نتیجه بسیاری از شرکت‌های کوچک تعطیل شدند و شرکت‌های بزرگ زیادی نیز با ورشکستگی می‌جنگند. به‌گزارش "وال‌استریت جورنال" در شهرک صنعتی البرز قزوین بسیاری از شرکت‌های تولیدی کار را در هفته یک روز کاهش داده و حق مرخصی و غذای مجانی کارگران را حذف کرده‌اند.

امام جمعه موقت تهران :باید مراسم چهارشنبه سوری ریشه کن شود

آیت الله موحدی کرمانی امام جمعه موقت تهران در جلسه علنی روز چهارشنبه مجلس به نمایندگان گفت: این چه خرافه ای است که در کشور ما باقی مانده؟ مجلس شورای اسلامی افراد توانمند و نخبه ای دارد و شما می توانید برای ریشه کن کردن این معضل اقدام کنید.

نقدی بر فیلم آرگو , فرافکنی واقعیتها

جای بسی تاسف و تاثر است که دستهای پلید استعمار بار دگر از آستین کارگزاران هالیوود بیرون آمد تا بر علیه ایران و مردمانش، فیلم سازی کند و ملتی را که اگر نگوئیم پرچمدار تمدن بشری، به جرات می‌توانیم بگوئیم یکی از پیشتازان کهن تمدن بشری است، به گونه ای دیگر به جهانیان معرفی نماید.

هنوز خاطره فیلم سراسر دروغین ۳۰۰ از خاطرایرانیان زدوده نشده که‌هالیوود به ساختن فیلم "آرگو " مبادرت ورزید.

جای تعجب نیست که این روند دروغ پردازی‌هالیوودی ادامه یابد، زیرا در برابر تبهکاری‌های جمهوری ننگین اسلامی، جهان غرب نیز بیکار نمانده و در مقابل آتش افروزی رژیم حاکم بر ایران دست به پیکار متقابل می‌زنند.

اما آنچه سبب حیرت است این است که سینما بعنوان یک هنر اعجاب انگیز که در عین حال آسانتر و گسترده تر در اختیار مردم قرار می‌گیرد می‌تواند یک نقش سازنده و معنوی در گسترش حقایق اجتماعی و تاریخی و اشاعه فرهنگ و ادب داشته باشد، اما می‌بینیم‌هالیوود پس از جنگ جهانی دوم و ساختن فیلم‌های سراسر غیر واقعی از وقایع جنگ، قدم به جهتی برداشته که امروز نیز شاهد اوج گیری آن هستیم.

حضور و نفوذ فیلمنامه نویسان و کارگردانان دون مایه این هنر اعجاب انگیز را به اوج ابتذالی باور نکردنی کشانده است.

" آرگو " دقیقا نشانی است گویا از ابتذال‌هالیوودی و وارونه نشان دادن واقعیت‌ها و تزریق ریا و ریاکاری در روح و جان جامعه است.

"آرگو " نه تنها اشاره ای به علل پشت پرده سقوط ۵۷ و روی کار آوردن رژیم خمینی نمی‌کند، بلکه سعی می‌کند با یک دروغ پردازی بی شرمانه و جعل تاریخی، گرسنگی مردم ایران، بیرحمی‌حکومت و تشریفات و تجملات دربار ایران را عامل ایجاد بلوا معرفی می‌کند و سپس با نشان دادن چهره‌های کریه و خشم آلود و ژولیده، مردم ایران را در سطح یک ملت عقب مانده و فرومایه پائین آورد. بدون شک دجال‌هائی که از دیوارهای سفارت آمریکا در تهران بالا رفتند، نمایندگان ملت ایران نبوده و نیستند، اما فیلمساز و فیلمنامه نویس آرگو نیز بهمان اندازه دجال و فرومایه اند.

دکتر سعید احمدی

CONFIDENTIAL

بی توجهی و تخریب آثار تاریخی ومیراث فرهنگی ایرانیان .تکرار تخریب پاسارگاد این بار با طاق بستان

کمیته بین المللی نجات پاسارگاد

درست از سال 1385، حدود هفت سال پیش که به خواست علاقمندان به میراث فرهنگی ایران پیشنهاد شد که پرونده طاق بستان برای جهانی شدن به یونسکو فرستاده شود، به سرعت اقدامات غیرمنتظره و غیر منطقی نیز برای از بین بردن این محوطه ی زیبا و با ارزش بشری نیز آغاز شد.

طاق بستان دیروز

ابتدا ساختن پلی که در سال 1382 سازمان میراث با همه ی مخالفت های کارشناسان با آن موافقت کرده بود شروع شد، سپس مساله کشیدن قطار شهری به طاق بستان و حریم آن مطرح شد که باز سازمان میراث فرهنگی با آن موافقت کرد، بعد سازمان اوقاف تصمیم گرفت روی ساختمان امامزاده ابراهیم که حریم طاق بستان است گنبدی را نصب کند. و با این که در حریم آثار تاریخی هیچ سازه ای نباید بیش ار هفت متر و نیم باشد، و با وجود چنین گنبدی منظر طاق بستان کاملا مخدوش می شد، با سکوت سازمان میراث فرهنگی روبرو شد.

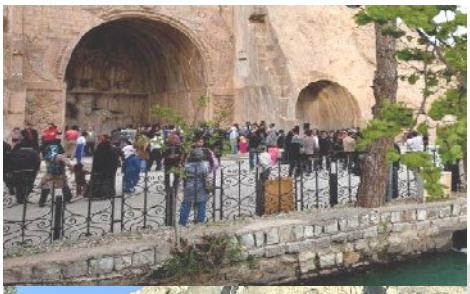

و این ها همه در کنار ساخت و سازهای مختلف در حریم این محوطه ی تاریخی و در کنار عوامل طبیعی مثل باد و باران و توفان که صدمات زیادی به نقش برجسته های طاق بستان وارد کرده و سازمان میراث کمترین توجهی در جهت مرمت آن نکرده بوده است.

با این حال بالاخره در سال گذشته 1390، سازمان میراث فرهنگی موافقت کرد که پرونده این محوطه را برای ثبت جهانی به یونسکو بفرستد اما گفت که و لازم است مرمت ها و زیباسازی هایی در آن بشود.

طاق بستان امروز

برای این کار 20 میلیارد ریال از استانداری کرمانشاه به سازمان میراث فرهنگی پرداخت شد. بلافاصله عده ای کارگر غیر متخصص در امور بناهای میراث فرهنگی، با بیل های الکترونیکی که برای کندن معادن و کوه و بیابان به کار می رود و کامیون های عظیم که برای فرو ریختن ساختمان ها از آن استفاده می شود، محوطه ی طاق بستان را پوشاندند و بر سر طاق بستان بلایی را آوردند که نه تنها صدای کارشناسان و فرهنگ دوستان مستقل که حتی صدای یکی دو رسانه حکومتی را هم درآوردند.

CONFIDENTIAL

و پایان این روند تخریبی حیرت انگیز آنجایی است که سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه اعلام کرد که «اصلا قصد ارسال پرونده ی این محوطه را به یونسکو نداشته اند»

و بلافاصله همه ی خبرها، در ارتباط با طاق بستان، (حتما به دستور سازمان میراث فرهنگی) از روی سایت ها برداشته شد و اکنون کارشناسان می گویند که حتی اگر پرونده طاق بستان به یونسکو برود، با این بلاهایی که سازمان میراث و دیگر ارگان های دولتی بر سر آن آورده اند موفق به جهانی شدن نخواهد بود.

خبر ها

دوگا نگی و ابهام درورویکرد آمریکا با جمهوری اسلامی دم خروس را باورکنیم یا قسم عباس را؟

پایگاه اینترنتی المانیتور که به وزارت خارجه امریکا نزدیک است، این خبر را در روز سه شنبه اول ژانویه2013 منتشر کرده است. به گزارش ایران هسته‌ای، المانیتور نوشته است که که هلگا اشمید معاون کاترین اشتون این پیشنهاد را در تاریخ 12 آذر (22 دسامبر) در یک گفت وگوی تلفنی به علی باقری ارائه کرده است.

دیپلمات ها در تهران ارائه این پیشنهاد را تایید می کنند اما عقیده دارند که این پیشنهاد به دلیل مشکلات مربوط به زمان بندی قابل پذیرش نبوده است.
یک کارشناس در این باره گفت: «از دید ما مسئله زمان و مکان خیلی مهم نیست. مهم محتوای مذاکرات است و اینکه ما با چه جیزی مواجهه خواهیم شد. آیا بناست همان راهبرد گذشته تکرار شود یا اینکه 5+1 به جمع بندی جدیدی رسیده است. این چیزی است که باید قبل از دور جدید مذاکرات روشن شود تا بتوان بر مبنای آن راهبرد مناسب را تنظیم کرد».

منابع و رسانه های غربی تا کنون پیام های متعدد و در عین حال مبهمی در این باره ارسال کرده اند که پیشنهاد جدیدی از سوی 5+1 به جمهوری اسلامی ارائه خواهد شد اما کارشناسان در تهران این پیام ها را چندان جدی نمی گیرند.

کارشناس یاد شده در این باره گفت: «واقعا این یک سوال مهم است که اگر رویکرد عوض شده و بناست پیشنهاد جدیدی به جمهوری اسلامی عرضه شود پس معنای این حجم از اقدامات خصمانه در قالب تحریم ها و غیر آن که روزانه علیه ما انجام می شود، چیست»؟
به همین دلیل به نظر می رسد دریافت پالس های راهبردی متناقض، اکنون مهم ترین عاملی است که باعث شده جمهوری اسلامی حاضر به جمع بندی موضوع زمان و مکان مذاکرات نباشد.

نزول ایران به رده ششم اوپک از نظر درآمد نفتی

اداره اطلاعات انرژی آمریکا درآمد قطعی ایران از فروش نفت در ۱۱ ماه نخست ۲۰۱۲ را ۶۴ میلیارد دلار اعلام و از نزول ۴ پله‌ای ایران در رده‌بندی اعضای اوپک از نظر میزان درآمد نفتی خود خبر داد.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا در جدیدترین گزارش خود درآمد قطعی اوپک از فروش نفت در ۱۱ ماه نخست ۲۰۱۲ را ۹۶۷ میلیارد دلار اعلام کرد. اوپک در ۱۲ ماهه سال ۲۰۱۱ درآمد ۱۰۲۷ میلیارد دلاری از محل فروش نفت کسب کرده است.
بر اساس گزارش خبرگزاری تسنیم، ایران نیز در ۱۱ ماهه نخست ۲۰۱۲ بالغ بر ۶۴ میلیارد دلار از فروش نفت درآمد داشته است و این در حالی است که کشورهای غربی از اواسط این سال طرح تحریم نفت ایران را به اجرا گذاشته اند.
ایران که پیش از تحریم ها دومین عضو اوپک از نظر کسب درآمدهای نفتی بود در ۱۱ ماه نخست سال ۲۰۱۲ به رتبه ششم تنزل یافته است.
این گزارش می افزاید عربستان با درآمد ۲۹۱ میلیارد دلاری در رتبه نخست قرار داشته و امارات با ۹۴ میلیارد دلار در رتبه دوم، نیجریه با ۸۴ میلیارد دلار در رتبه سوم، کویت با ۸۱ میلیارد دلار در رتبه چهارم و عراق با ۷۵ میلیارد دلار در رتبه پنجم قرار گرفته اند.

تحریمهای جدید آمریکا علیه شرکتها و مقامات رژیم جمهوری اسلامی

وزارت خزانه داری آمریکا اسامی 7شرکت و 5مقام رژیم را به خاطر ارتباط با برنامه اتمی جمهوری اسلامی به لیست تحریمها اضافه کرد. بنا بر گزارش رویتر فریدون عباسی رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم تهران و 4مقام دیگر به نامهای جابر صفدری، مرتضی احمدی بهزاد، امیرحسین رحیم یار و محمدرضا رضوانیان زاده در لیست تحریمهای جدید هستند.

شرکتهای پویان کنترل، ایران پویا، صنایع دریایی آریا نیکان، فراتک، گروه صنعتی ندا، طرح و پالایش و تولید ابزار برشی ایران نیز شرکتهایی هستند که در این لیست سیاه قرار گرفتند.

کاهش ۷۵ درصدی صادرات دوبی به ایران

یک مقام ارشد در دوبی اعلام کرد که صادرات اعضای اتاق بازرگانی و صنایع معادن دوبی به ایران طی دو سال گذشته بیش از ۷۵ درصد کاهش یافته است.
مدیرکل اتاق بازرگانی و صنایع معادن دوبی با اعلام خبر فوق گفت: متوسط صادرات و صادرات مجدد ماهانه دوبی به ایران از حدود ۷ میلیارد درهم در دو سال قبل به ۱.۸ میلیارد درهم (۴۹۰ میلیون دلار) رسیده است.

وی با اشاره به اینکه دوبی سهم قابل توجهی از تجارت خود را با ایران از دست داده است، افزود: دلیل اصلی کاهش صادرات دوبی به ایران تشدید تحریم‌ها علیه ایران و محدود شدن روابط مالی به این کشور بوده است. اگرچه نوسان نرخ ارز و کاهش ارزش پول ایران نیز در کاهش روابط تجاری با دوبی موثر بوده است.

در ژوئن سال ۲۰۱۰ ایران بزرگترین مقصد صادراتی اعضای اتاق بازرگانی و صنایع معادن دوبی بود و در اوج خود سهم ایران از تولید ناخالص داخلی امارات به ۷ درصد رسید.

به گزارش سایت The National، مدیرکل اتاق بازرگانی و صنایع معادن دوبی همچنین اعلام کرد که بدون حذف تحریم‌ها چشم‌انداز چندان مثبتی برای آینده روابط ایران و دوبی مشاهده نمی‌شود.

CONFIDENTIAL

کاهش 40 درصدی درآمد نفتی بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی بدنبال تشدید تحریمهای بین المللی

درآمد صادرات نفت ایران در سال 90 به بیش از 118 میلیارد دلار و در بهار سال 91 نیز به 19.8 میلیارد دلار رسید.
بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی ، درآمد مقدماتی صادرات نفت کشور در سال 90 بیش از 118 میلیارد و 232 میلیون دلار اعلام شد که در مقایسه با درآمد 90 میلیارد دلاری سال 89 بیش از 28 میلیارد دلار افزایش نشان می دهد.
آمارهای رسمی بانک مرکزی حاکی است، درآمد صادرات نفتی کشور در سه ماهه اول امسال به 19 میلیارد و 864 میلیون دلار رسید که در مقایسه با سه ماهه اول سال 90 حدود 40 درصد کاهش نشان می دهد.درآمد صادرات نفت کشور در بهار سال 90 بیش از 33 میلیارد دلار بوده است.

جزئیات نشست محرمانه قالیباف، ولایتی و حدادعادل

در ادامه و قطب بندی های انتخابات یازدهم ریاست جمهوری رژیم تهران کمیته سه نفره ای با عنوان " ائتلاف 2+1" متشکل از "غلامعلی حدادعادل، علی اکبر ولایتی و محمد باقر قالیباف" تشکیل شده است.

به گزارش سایت پارسینه ، این سه نامزد بالقوه انتخابات ریاست جمهوری تعهد کرده اند با هم در عرصه انتخابات متحد باشند براساس ساز و کار "نظرسنجی" یکی از این سه نفر به عنوان نامزد نهایی برگزیده شود و دونفر دیگر به عنوان حامی و تشکیل دهنده هسته اولیه دولت احتمالی عمل کنند.

مقدمات تشکیل ائتلاف "2+1" از دو ماه پیش با پیشنهاد حدادعادل آغاز شده و هفته گذشته با موافقت ولایتی و قالیباف نهایی شده است. قالیباف و ولایتی توافق کرده اند از این پس امکانات رسانه ای و ستادهای انتخاباتی خود را تحت نظر این ائتلاف به کار بگیرند.

باتوجه به قرائن و شواهد چنین بر می آید که خروجی نهایی ائتلاف "2+1" حدادعادل خواهد بود و به نوعی این ائتلاف بازی ولایتی و قالیباف در زمین حداد عادل خواهد شد. برگ برنده حدادعادل در این ائتلاف به همراه داشتن پشتیبانی جبهه پایداری در پیش از این نیز ائتلاف این دو جریان(حداد و پایداری) در تشکیل فراکسیون .صورت توافق در نتیجه مذاکرات فی مابین خواهد بود اصولگرایان مجلس را شاهد بودیم.

افزایش ۴۴ درصدی واردات سیگار واردات ۲۷۰۰۰ خودروی لوکس در سال جاری

طی ۸ ماهه سال ۹۱ واردات سیگار ۴۴,۳۹ درصد افزایش ارزشی و ۱۲۳,۱۱ درصد افزایش وزنی داشته است.بر اساس آمار گمرک ج.ا.ایران طی ۸ ماهه سال ۹۱ میزان تراز بازرگانی خارجی با کسری ۱۵ هزار و ۶۹۱ میلیون دلار مواجه بوده است.
همچنین طی هشت ماهه سال ۹۱ حدود ۱ هزار و ۲۶۱ تن انواع پوشاک به ارزش ۱۴ هزار و ۴۸۰ هزار دلار از سه کشور امارات متحده عربی، چین و ایتالیا وارد کشور شده است.

که واردات این کالاها نسبت به سال قبل ۹۹ درصد کاهش وزنی و ۱۰,۴۲ درصد افزایش ارزشی داشته است.طی این مدت حدود ۷ هزار و ۵۷۹ تن سیگار به ارزش ۷۹ هزار و ۵۲۷ هزار دلار وارد کشور شده که واردات این محصول نسبت به سال قبل ۱۲۳,۱۱ درصد افزایش وزنی و ۴۴,۳۹ درصد افزایش ارزشی داشته است.
آمار گمرک ایران حاکی از واردات بیش از ۲۷ هزار دستگاه خودروی سواری لوکس به کشور طی هشت ماه نخست سال جاری است که این میزان واردات نسبت به مدت مشابه در سال قبل رشد ۹,۶ درصدی را نشان می دهد.

CONFIDENTIAL

یادی از سه والامقام که سال هاست در کنار پل آهنی رود ارس خفته اند

زنده یاد ژاندارم ملک محمدی

زنده یاد ژاندارم محمد راثی هاشمی

زنده یاد ژاندارم عبدالله شهریاری

سال هاست در کنار پل آهنی رود ارس خفته اند.

شهریور 1320 هنگامی متفقین تصمیم به اشغال ایران می گیرند این سه مرزبان غیور وظیفه پاسداری از مرزهای شمالی ایران را بر عهده داشته اند، پس از آن که ارتش روس ها برای ورود به خاک ایران به پل فلزی جلفا-نخجوان که عملاً تنها و بهترین محل عبور از رود پرخروش ارس در این ناحیه است نزدیک می شوند مقاومت دو روزه این سه دلاور آغاز می گردد.

این مرزبانان غیور و شجاع مرزهای ایران با اشراف به پل، دو روز تمام لشکر تا بن دندان مسلح روس رابه مدت ۲ روز زمین گیر می کنند. مقاومت شجاعانه این سه سرباز خاک ایران چنان تاثیری بر ارتش متجاوز شوروی می گذارد که پیکر پاک آنان در همان محل مقاومت شان با احترام به خاک سپرده می شود و امروزه نشانه دیگری از غیرت و شجاعت جوانان ایران اهورایی است

پرونده نسل کشی آلوی ها ، کردها ، ارامنه و آشوری ها در سال های 1937-1938 به دست حکومت ترکیه به دادگاه جزایی لاهه منتقل شد oratert

طبق گزارش آژانس ANF کردی گزارشی در امور نسل کشی درسمی با امضاء وکیلان و حقوقدانان از ایالات متحده آمریکا ، آلمان ، هلند ، بلژیک و ترکیه " از سوی " اردال دوقان " حقوقدان کرد به دادگاه جزایی لاهه ارایه شده است. در این گزارش به 81 نفر از جمله " رجب طیب اردوقان " نخست وزیر فعلی ترکیه و " کنان اورن " بانی انقلاب نظامی در سال 1980 میلادی در ترکیه برای نسل کشی در درسیم اتهام وارد شده است. یاد آوری می کنیم که حکومت ترکیه از قیام درسیم جلوگیری کرده و هزارها روستا ها را نابود و تخریب کرده است. هزار ها ارامنه که از نسل کشی ارامنه در سال 1915 میلادی نجات یافته در این روستا ها زندگی کرده بوده اند کشته شده اند.

معانی ماههای پارسی :

فروردین = فروردهای پاکان
اردیبهشت = بهترین راستی
خرداد = رسایی کمال
تیر = ایزد باران
مرداد = جاودانگی
شهریور = شهریاری نیک
مهر = پیوستن با مهربانی
آبان = آب ها
آذر = آتش
دی = دانای آفریننده
بهمن = منش نیک
اسفند = آرامش افزاینده

PersianForJesusChrist@gmail.com

از ایرانیان ارجمند بویژه آنان که در پی دانستن حقیقت که تنها راه رسیدن به آزادی است، دعوت می کنیم که به نشستهای مطالعه کتاب مقدس ایرانیان راه عیسا مسیح تشریف آورید.

Second Baptist Church

Intersection of Voss and Woodway

عیسا مسیح فرمود که همه خداوند را با تمام قلب، جان و روان دوست داشته باشید. دیگران را نیز دوست داشته باشید بگونه ای مایلید دیگران شما را دوست داشته باشند.

شراره شیروانی

مشاور دلسوز و راستین شما در مورد املاک

CONFIDENTIAL

نمودار زندگی زن از آغاز تا به امروز در ایران

اثر ارزنده دکتر هما برازنده

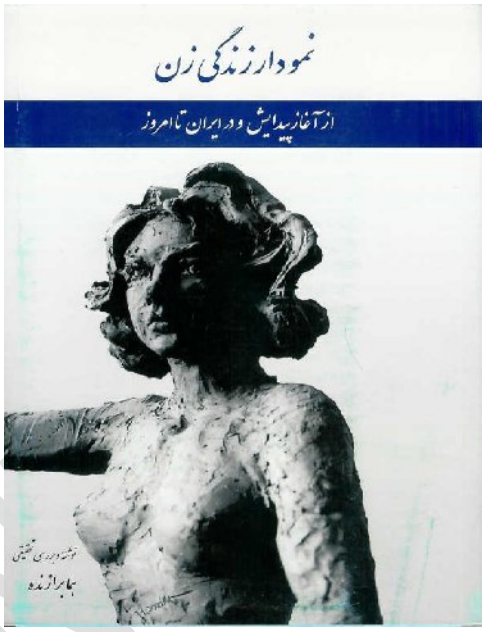

جهت خرید این کتاب در هیوستون با فروشگاه ونک و در دیگر نقاط آمریکا و کانادا با شرکت کتاب در لس آنجلس با شماره 310-477-7477 تماس حاصل فرمائید.

سامانه شرکت کتاب www.Ketab.com

علاقه مندان به تاریخ ایران،

کتاب **نشیبی دراز است پیش فراز** منتشر شد

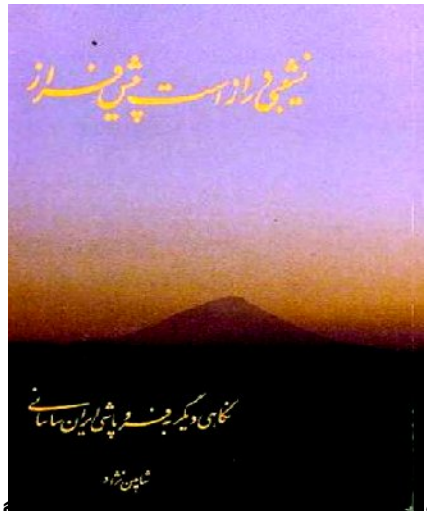

این اثر، پژوهشی است مستند و تاریخی و تازه از دیدگاههای سیاسی و اعتقادی، درفروپاشی ساسانیان و چیرگی اعراب مسلمان بر ایران.
رویداد بزرگی که سرنوشت ملت ایران را برای سده های طولانی زیر تاثیر خود قرار داده است.
براستی نزدیک به چهارده سده پیش چه رخ داد؟ چگونه ایرانشهر در پی عوامل گوناگون، در دهه های آغازین سده هفتم به پریشانی و فتور افتاد؟ بر نیاکان ما چه رفت؟ عوامل شکست ایرانیان از اعراب چه بود؟ چرا حکومت مسلمانان در ایران زودگذر نبود؟

جهت سفارش با شماره 310-477 7477 تماس بگیرید

سامانه شرکت کتاب www.Ketab.com

FARMERS INSURANCE GROUP
Symbol of Superior Service

FARMERS
Auto . Home . Life . Business

فریدون دهکردی
مشاور شما در امور بیمه
برای هرگونه امور بیمه خود از قبیل:
ماشین، منزل، عمر، تجاری
با یک متخصص آشنا تماس بگیرید.

Dehkordi
Insurance Agency

Email : fdehkordi@farmersagent.com
www . farmersagent.com / fdehkordi

Office : 713-781-4200 Cell: 713 -628-1976
Address: 2825 Wilcrest Dr., Suite 461 - Houston 77042

FOR IMMEDIATE RELEASE: December 20, 2012

Iranian Democracy Front

Supporting the Terrorist Mojahadin-e Khalgh (MEK) is a Grave Blunder

The member organizations of *Iranian Democracy Front (IDF)* are outraged by the actions of certain individuals and lobbyists to promote the agenda of the terrorist Mujahedin-e Khalq Organization (MEK). Some former officials of the American government have been participating in events that promote the terrorist MEK group, in which a substantial amount of false information and propaganda has been presented. The individuals who participated in the MEK events include: Rudolph Giuliani, Tom Ridge, Frances Fragos Townsend, Michael Mukasey, Newt Gingrich, Patrick Kennedy and some other politicians. Some of these individuals have been rewarded financially for supporting MEK.

During the 1970s, MEK terrorists killed many Iranians, and a number of American military personnel and civilians working in Iran. In 1972, the Mojahedin murdered Lt. General Saeed Taheri and Brigadier General Niktab. In 1973, the Mojahedin assassinated Lt. Col. Lewis Hawkins, a U.S. military advisor in Iran. In 1975, MEK terrorists shot and killed two U.S. Air Force officers in Tehran. The same year, the Mojahedin attacked a U.S. Embassy van in Tehran killing a local employee. And in 1976, they assassinated three American employees of Rockwell International working in Iran.

MEK supported Ruhollah Khomeini's terrorist regime in 1979, and participated in the crimes of the mullah regime against the Iranian people. The MEK also supported the takeover in 1979 of the U.S. Embassy in Tehran by the mullah regime. Only when Khomeini began to attack his former allies, the MEK joined Iran's enemy Saddam Hussein. In Iraq, the MEK were Saddam's mercenaries and participated in dreadful crimes against Iraqis.The MEK received large amount of funds, weapons and training from Saddam for many years.

MEK's ideology mixes religion and politics. The overwhelming majority of the Iranian people consider the MEK to be an anti-Iranian terrorist cult, and they strongly oppose the group. Iranians have suffered horrifically from the Khomeinist regime's mixing of religion and politics, and they have no interest in MEK's dubious ideology. Furthermore, Iranians consider MEK's cooperation with Saddam during the Iran-Iraq war to be treason.

MEK's claims to have repudiated violence are not credible. Those who pursue the delusional idea of promoting the terrorist Mojahedin as a tool against the mullah regime are making a grave blunder that will have disastrous consequences for Americans and Iranians. Since most Iranians hate the MEK, any support for the group will be perceived as an attempt to replace the terrorist mullah regime with

the terrorist MEK. Giuliani, Ridge, Townsend, Mukasey and their cohorts should stop supporting the terrorist Mojahedin.

As the massive protests in Tehran and other cities in 2009 proved, millions of Iranians oppose the illegitimate mullah regime and its criminal leaders. Despite the mullah regime's brutal campaign against pro-democracy activists, many Iranians inside and outside Iran continue the effort to bring freedom and democracy to Iran. Iranians can replace the mullah regime with a democratic government, and the process will be much faster with active international support. A democratic Iran will be an important factor in peace and security of the region and the world.

MEK is a terrorist Islamo-Marxist cult which does not belive in democracy. MEK's leaders even oppress their own members. The members of the IDF condemn the support of the former American officials of MEK for money, and we urge these politician to not endanger the future of the region by supporting the terrorist MEK. Instead Iranians expect their moral and political support for the Iranian pro-democracy movement.

Iranian Democracy Front (IDF) *is an association composed of Iranian pro-democracy political groups and organizations with diverse political beliefs, with a common goal of removing the despotic Islamic republic and establishing a secular democratic government in Iran based on the Universal Declaration of Human Rights. Member organizations of IDF in alphabetical order:*

Action for Iran's Freedom, Alliance for Democracy in Iran, Alliance of Iranian Women, Association of Wisdom and Tradition of Iran, Democrat Party of People of Iran, European Centre for Zoroastrian Studies, Guardians of Iranian Territorial Integrity, Iranian Cultural Society, Iranian Society for Freedom Peace and Justice, Iran Society in Dallas, Iranian Solidarity Congress, Iranian Unity and Solidarity Council, IRANPAD Organization-Houston, IRANPAD Organization-Los Angeles, Kanoon Kherad, Movement to Support Freedom in Iran, Organization of Young Iranian Constitutional Monarchists, Payam Organization, Radio Azadegan, Sarbaz Organization, Society of Persian Women, Supporters of Democracy Movement in Iran, Tribe Alliance of Iran, United Persian Organization.

هموطنان بکوشیم

تا آزاد و سرافراز باشیم

فرزندان ایران زمین:

در این شرایط سرنوشت ساز و طاقت فرسا ی ناشی ازتشدید تحریمها ، برای جلوگیری از یک بحران وفاجعه ملی ، از یکایک شهروندان ، فعالین سیاسی و مدنی و عاشقان ایران زمین تقاضا میکنم ، ضمن تاکید بر حفظ منافع ملی کشورمان، با اتحاد حول هدف مشترک؛ "گذار بسوی دموکراسی و احترام به حقوق بشر"، دست در دست یکدیگر گذاشته و برای آزادی ایران و استقرار دموکراسی و حقوق بشر در کشورمان به پاخیزیم.

شاهزاده رضا پهلوی

هموطن فردا خیلی دیر است مردم ایران نیازمند یاری شما هستند جهت عضویت در سازمان ایران پاد شاخه هیوستون با ما تماس حاصل فرمائید

CONFIDENTIAL